

دانشگاه تهران
مؤسسه جغرافیا
مجله پژوهشی کرمان

گزارشهای جغرافیائی

کنکاور

« جغرافیای انسانی و اقتصادی »

نگارش
شاپور کو درزی تراو

دانشکده جغرافیای
دانشگاه تهران

نشریه شماره ۱۰

دیماه ۱۳۵۲

University of Tehran

Institute of Geography

GEOGRAPHICAL REPORTS

Kangavar

Human And Economic Geography

SH . Goodarzi-Nejad

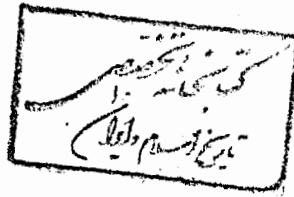
Department Of Geography

University Of Tehran

Publication No.10

Jan.1974

دانشگاه تهران
مؤسسه جغرافیا
طرح پژوهشی کردستان



گزارشهای جغرافیائی

اسکین شد

کنگاور

«جغرافیای انسانی و اقتصادی»

نگارش

شاپور کوورنی تراو

دانشارک و جغرافیای
دانشگاه تهران

فهرست مطالب

صفحه	
۱	پیشگفتار
۳	سابقه تاریخی
۵	نژاد، زبان، جمعیت، مشاغل
۱۴	منابع آب
۲۲	پوشاک، ابزار کار، مسکن
۲۸	کشاورزی
۳۶	کشت و برداشت غلات
۴۰	کشت و برداشت چغندر قند
۵۳	کشت و برداشت خشخاش
۵۷	تهیه کود حیوانی و سوخت
۵۸	دامداری
۶۲	اشتغال مردم ده
۶۴	صنایع دستی
۶۵	دستمزدها
۶۵	بهداشت، تعلیم و تربیت
۷۳	سازمانهای اجتماعی دهات

پیش گفتار

بخش کنگاور از توابع شهرستان کرمانشاهان، برسر راه همدان به کرمانشاه و بین شهرستانهای همدان، توپسرکان، نهاوند، قروه و بخشهای خدا بنده لو و صحنه واقع شده است و فاصله آن از شهر کرمانشاه و همدان تقریباً به یک اندازه است.

کنگاور بطور کلی ناحیه ای است متشکل از دشت و کوهستان. قسمت جنوبی آن اراضی هموار و بخش شمالی کوهستانی است. اراضی پایکوهی و زمینهای آبرفتی دشت کنگاور حاصلخیز و آب و هوایش معتدل و کوهستانی است. با ارتفاع گرفتن از دشت و ورود به کوهستان بر طول مدت زمستان و شدت سرما اضافه شده در عوض تابستان معتدل می گردد. ریزشهای جوی از اوائل فصل پائیز با بارندگی شروع می شود، در آذرماه قلل کوهستان را برف می پوشاند و در فصل زمستان دشت و کوهستان را برف فرا می گیرد. در اوایل بهار نسبت به بارانی می بارد ولی تابستان ها خشک و آفتابی و یاران نادر است. مقدار ریزشهای جوی این ناحیه بطور کلی بین ۴۰۰ تا ۵۰۰ میلی متر سالیانه تغییر می یابد.

همین مقدار ریزش جوی و ساختمان آهکی اغلب کوهها سبب گردیده است که مخازن چشمه هائی فراوان در این ناحیه بوجود آید و مجموعاً سرچشمه شعبات رود هائی بشوند که از دامنه کوهها وارد دشت میشوند و بمصرف زراعت میرسند. همچنین دشت آبرفتی کنگاور که از متلاشی شدن سنگهای آهکی و در گرونی تشکیل شده است در دل خود مخازن عظیم آب را ذخیره می کند بحدی که در پست ترین ناحیه دشتی در عمق ۱۰ متر بزرگترین مخازن آب ظاهر میشود. باید گفت که در این دشت یکی از سفره آبهای بسیار غنی مملکت ما قرار دارد و بطور کلی عمده دهات پر جمعیت و پر محصول کنگاور از برکت همین سفره آب زیر زمینی بوجود آمده اند.

رودخانه گاماسی آب^۱ از حوالی این ناحیه می گذرد و از آبهای نفوذی ناحیه کنگاور و یا از مازاد آب نهرهای کوچکی که از کنگاور وارد آن می گردند تغذیه می شود. پوشش گیاهی این ناحیه از نوع مدیترانه ای است و در وضع فعلی جز سنگهای ساختمانی منابع معدنی مهمی ندارد.

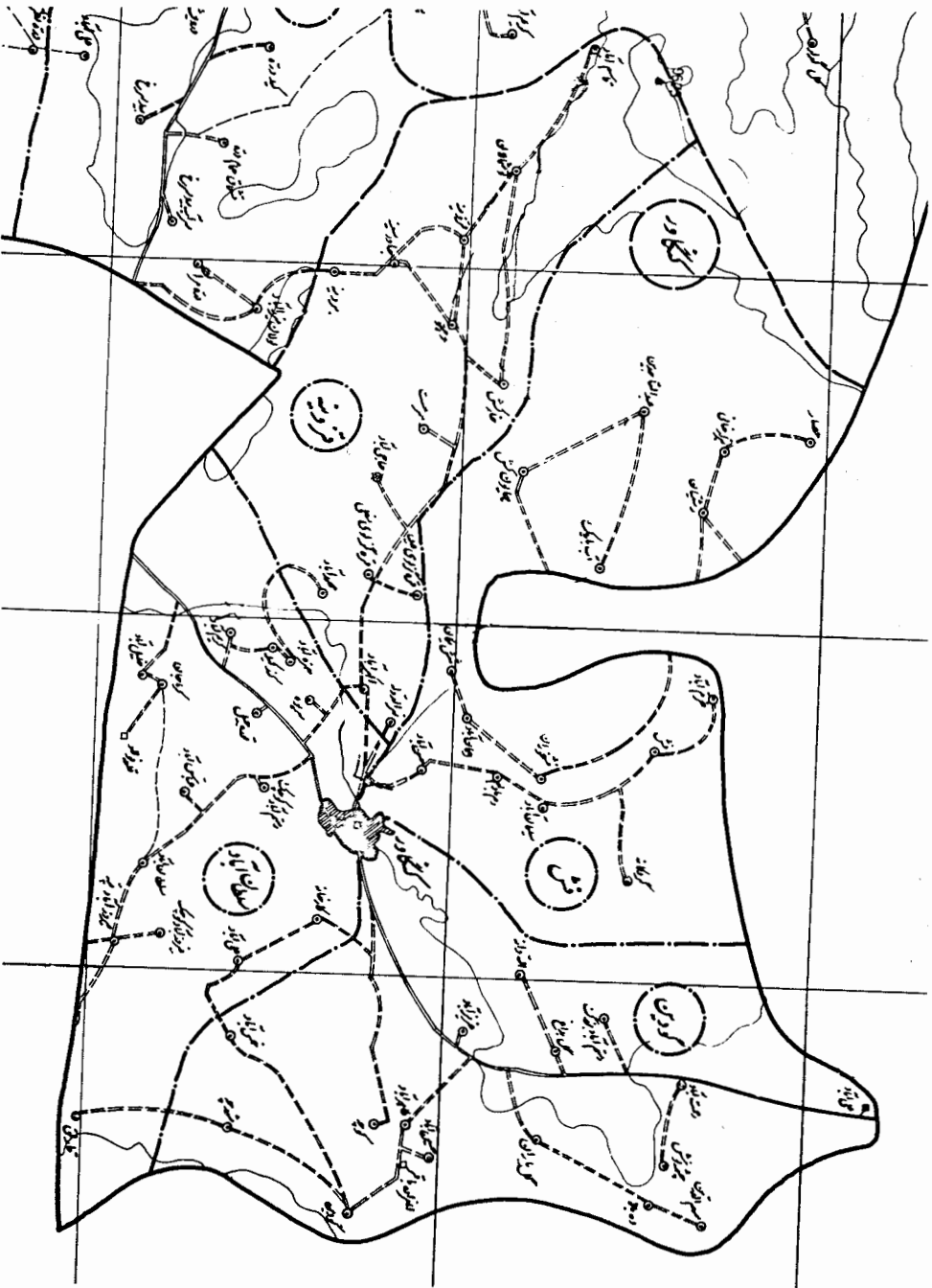
۱- در عرف عامه رودخانه گاماسی آب مرکب از سه کلمه «گا - ماسی - آب» اصطلاحی است بومی که آن را چنین ترجمه می کنند:

گا : بزرگ

ماسی : ماهی

آب : آب

و بدین ترتیب گاماسی آب بمعنای (رودخانه ماهیهای بزرگ) میشود و اتفاقاً در این رودخانه ماهیان بسیار بزرگ حتی به وزن ۳۰ کیلوگرم دیده میشود. تعبیر دیگر آن است که گاماسی بمعنای آرام و آهسته و گاماسی آب بمعنای رودخانه آرام می باشد و این تعبیر هم درست است زیرا حرکت رودخانه در منطقه ای که بدین نام شهرت دارد آرام است درخور و بیابانک هم که زبانی قدیمی دارند گاماس بمعنای آرام و آهسته بکار می رود.



شکل شماره ۱

سابقه تاریخی :

خاراکسی جغرافیانویس یونانی در قرن اول میلادی از کنگاور تحت عنوان کونکوبار^۱ یاد کرده و این قدیم‌ترین نوشته مدونی است که می‌توان به آن استناد جست. تاریخ و جغرافیایانویسان عرب و ایرانی از قرن چهارم هجری به بعد از این ناحیه نام برده‌اند و اغلب آنرا (کنکور) نوشته‌اند. از جمله یاقوت مؤلف معجم-البلدان به سال ۶۲۳ هجری چنین نوشته است:

«کنکور، بکسر الکافین و سکون التون و فتح الواو: بلیدة بین همدان و قرمیسین و فیها قصر عجیب یقال له قصر اللصوص ذ کرفی القصور و هی الان خراب...»^۲

قبل از یاقوت نیز سیاحان و جغرافیانویسان به این ناحیه اشاره کرده‌اند، از جمله اصطخری در کتاب مسالک و الممالک که در ۳۴۰ هجری تألیف نموده این محل را (قصر اللصوص)^۳ نوشته است. پس از وی ابن حوقل در جلد دوم کتاب صورة الارض تألیف ۳۶۷ هجری چنین می‌نویسد:^۴

«..... ومن اسدآباذ الی قصور اللصوص سبعة فراسخ و هی مدینة و فیها منبر استحدثها مونس المظفر و من قصر اللصوص الی ماذران سبعة فراسخ..... و منها الی بهستون جبل عظیم (فرسخان) و قرية هناك تدعی سائسانان.....». در همین قرن به سال ۳۷۵ مقدسی در کتاب احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم در مورد بناهای تاریخی این محل چنین می‌نگارد:^۵

Concobar - ۱

۲- یاقوت معجم البلدان ص ۴۸۴، چاپ بیروت، ۱۳۷۶ ه. ق

۳- اصطخری: مسالک و الممالک ص ۱۹۵، چاپ لیدن، ۱۹۲۷

۴- ابن حوقل: صورة الارض ص ۳۵۹، چاپ لیدن، ۱۹۳۹

۵- المقدسی: احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم ص ۳۹۳ چاپ لیدن ۱۹۰۶

«..... وقصر اللصوص صغيرة بها قصر من حجارة على اسطوانات واعمال عجيبه». عده‌ای دیگر از جمله ابن رسته در ۲۹ هجری و ذکریان بن محمد بن محمود القزوينی در کتاب آثار البلاد و اخبار العباد^۱ و ابودلف در سفرنامه خود^۲ از این محل یاد کرده‌اند. لسترنج^۳ با اقتباس از آثار نویسندگان اسلامی درباره کنگاور می‌نویسد:

« بعد از قریه صحنه ولایت کنگوار است که چون در آغاز فتوحات اسلام هنگام عبور لشکریان عرب از آنجا به نهاوند اهالی آنجا چهارپایان بارکش مسلمین را زدیدند، اعراب آنرا قصر اللصوص (قلعه دزدان) نامیدند. در این شهر چنان که ابن رسته و دیگران ذکر می‌کنند خسرو پرویز بر روی صفه‌ای، ایوانی ستون‌دار از گچ و آجر ساخته بود. شهر کنگوار شهری بزرگ بود و مسجد آدینه آن را مونس، حاجب مقتدر بالله خلیفه عباسی، ساخته بود. یاقوت می‌گوید صفه‌ای که ساختمان های ساسانیان بر فراز آن بنا شده بیست ذراع از زمین بلندتر است. در حدود بیست و پنج میلی مغرب کنگوار خرابه های دینور واقع است که در قرن چهارم هجری پایتخت سلسله مستقل کوچکی بود بنام حسنویه یا حسنویه رئیس طایفه کردی که بر آن ناحیه تسلط و فرمانروائی داشتند.....»

شهرت کنگاور در دوره اسلامی و هم اکنون بخاطر بقایای کاخی است که قبل از اسلام بر فراز صفه‌ای در محل مرکز بخش فعلی کنگاور از سنگ ساخته‌اند. این کاخ امروز به نام معبد «آناهیتا» شهرت دارد و باستان‌شناسان وزارت فرهنگ و هنر از سال ۱۳۴۷ به کاوش و احیاء این معبد همت ورزیده‌اند. با گذشت زمان در محل معبد ۲۱ خانه و دکان ساخته شده که خود در امحاء این اثر باستانی بسیار ارزنده

۱- ۴۷۴ هـ (۱۲۷۵ میلادی)

۲- سفرنامه ابودلف، ترجمه طباطبائی، ص ۶۵

۳- لسترنج، سرزمینهای خلافت شرقی ترجمه عرفان ص ۲۰۳-۲۰۴

دخالت مؤثری داشته است. این ابنیه را باستان شناسی خریداری کرده و اینک به ترمیم و تجدید بنای معبد سخت می کوشد.

به عقیده یکی از باستان شناسان گران قدر هیأت باستان شناسی معبد آناهیتا^۱ از کاوشهای علمی که تا آخر سال ۱۳۴۹ انجام یافته هیچگونه اثر و نشانه‌ای مربوط به قبل از دوره پارتها (اشکانیان) بدست نیامده و برای نمونه حتی به یک تکه سفال از دوره هلن (یونانی) برخورد نشده است، بنابراین تا پایان سال ۴۹ بموجب آثار بدست آمده قدمت معبد مرکز بخش کنگاور تا زمان پارتها رسیده بود و حداقل از آن دوره تا این تاریخ وجود سکونت‌های انسانی رادر کنگاور باید قبول کرد. از آنجا که کنگاور بر سر راه مراکز تمدنهای قدیم بین النهرین و پارس قرار داشته و راههای عمده قبل و بعد از اسلام از آن می گذشته است و بمناسبت استعداد خاک و آب و هوای مساعد می بایست از دیر باز مورد بهره برداری انسان قرار گرفته باشد و کاوشهای بعدی قدمت این محل را آشکارتر خواهد نمود.

نژاد ، زبان ، جمعیت و مشاغل:

مردم کنگاور از نژاد سفید و شعبه هند و اروپائی و مرکب از اقوام کرد و لر و احتمالاً تعداد خیلی از بازماندگان قوم ارمنی^۲ می باشند در قرون اخیر از مردم ترك لهجه نواحی مجاور نیز عده‌ای به این محل کوچ کرده اند. از آن جا که این محل بر سر چهار راه قرار داشته اصولاً منزلگاه مردم مختلف شده و تحت تأثیر همین موقع و خاصیت جغرافیائی و اهمیت معبد آناهیتا، مردم گوناگونی را چه از نواحی مجاور و چه از مراکز دوردست جلب و در خود جایگزین کرده است. مردم فعلی کنگاور ثمره چنین استقرار و جایگزینی جغرافیائی هستند و آثار این اختلاط اقوام از انواع لهجه

۱- سیف الله کام بخش فرد: کاوشهای علمی در کنگاور - معبد آناهیتا ص ۲۱

۲- عده‌ای از مردم قریه بزرگ فش معتقدند که اعقاب آنها همراه شیرین از «ارمن» بدینجا آمده و ساکن شده اند.

وقیافه وحتى پاره‌ای سنت‌ها کاملاً مشهود است. اغلب مردم دهات مختلف که در فواصلی نزدیک به هم زندگی می‌کنند به دوسه لهجه محلی تقریباً مختلف تکلم می‌نمایند. در بسیاری از روستاها لهجه‌های کردی، لری، ترکی، بصورت زبان عمومی یک روستا متداول است. گاهی دهی یاقت می‌شود که مردم آن مطلقاً کردی «روستای عبدالتاج‌دین»^۱ تکلم می‌نمایند و یا بیشتر جمعیت آن کردی صحبت میکنند اما با لهجه خاص ترکی ولری (روستای فش)^۲. حتی اسامی دهات نیز ممکن است به یکی از سه لهجه باشد نظیر ده «قارلق» که نامی است بالهجه ترکی و روستای «فش» که اسمی است بالهجه لری و قریه «تارآوا» یا (طاهرآباد) که نامی است در لهجه کردی. اختلاط قومی و زبانی در این ناحیه بقدری شدید و تاروپود آن چنان درهم بافته است که تجزیه و تحلیل آن کارآسانی نیست و خود نیازمند مطالعه جداگانه‌ای است. برای مثال اصل مردم ده طاهرآباد که ۸۵ نفر جمعیت دارد از اقوام ساکن درخاوه والشت لرستان بوده‌اند که به علت اختلافات محلی و مبارزات طایفه‌ای ابتدا به تویسرکان و سپس به طاهرآباد آمده در آنجا سکنی گزیده‌اند و بدیهی است که طاهرآباد خود نیز مرکز مردمی قدیم‌تر بوده است. باید زبان بخش کنگاور را فارسی و لهجه مردم را کردی و نژاد آنان را از مردم اقوام غرب ایران دانست. جمعیت بخش کنگاور ۳۶۱۲ نفر است که در مرکز بخش و چهار دهستان متمرکز گردیده‌اند و توزیع جمعیت آن برحسب دهستان و مرکز بخش در جداول مربوط نشان داده شده است.

۱- کلمه به صورت متداول محل نوشته شده است.

۲- روستای فش بیش از دوهزار نفر جمعیت دارد. اهالی ده معتقدند که «مرآتی‌ها» اصلشان ارمنی بوده ولی امروزه شیعه هستند «حقیقی‌ها» از گوران سنجابی و کرد، «خدا بنده‌لوا» اصل ترک و «عظیمی‌ها» فارس و طایفه «گل‌مراد» کرد. اینها دسته‌های خاص جمعیتی هستند که با هم مجموعه‌ای می‌سازند به نام روستای فش با جمعیت واحد.

در سال ۱۳۴۵ جمعیت روستاهای بخش کنگاور ۲۰۲۸۱ نفر بوده که تا سال ۱۳۵۰ به ۲۳۶۲۰ نفر « ۳۹۰۰ خانوار » رسیده است. از مقایسه جمعیت سال ۱۳۵۰، معلوم می شود که در مدت تقریباً پنج سال ۳۳۳۹ نفر به جمعیت روستاهای چهار دهستان فش، سلطان آباد، قزوینه، گودین اضافه شده است. اگر میانگین آهنگ رشد طبیعی جمعیت مملکت را در سال ۱۳۵۰ « سه درصد سالانه » برای ناحیه سازش دهیم می بایست در این مدت در حدود ۳۲۴۱ نفر به جمعیت روستاهای کنگاور اضافه شده باشد. ظاهراً افزایش عددی جمعیت روستاها به قراری که گفته شد با آهنگ رشد ۳٪ مطابقت می کند ولی اگر مهاجرت روستائیان به شهر کنگاور و سایر جاها در نظر گرفته شود حقیقت جزاین است. از طرفی جمعیت مرکز بخش «شهر کنگاور از نظر مرکز آمار ایران» در سال ۱۳۴۵ بالغ بر ۹۴۱ نفر بوده که بر حسب آمار رسمی محلی در سال ۱۳۵۰ به ۱۲۰۰ نفر رسیده است. با توجه به میزان رشد طبیعی جمعیت «سه درصد» در این سال، جمعیت شهر نمی بایست از ۱۰۹۱۵ نفر افزون باشد در حالی که آمار رسمی محلی جمعیت شهر را ۱۲۰۰ نفر می داند. از این قرار آهنگ رشد جمعیت شهر از معیار افزایش سالانه رشد

۱- بموجب سرشماری سال ۱۳۴۵ جمعیت شهر کنگاور ۹۴۱۴ نفر بوده است و اینکه در حدود ۱۲۵۰۰ نفر جمعیت دارد .

۲- دهستان فش^(۱) :

نام ده	جمعیت سال ۴۵	جمعیت سال ۴۹	جمعیت سال ۵۰
فش	۱۷۸۶	۱۸۵۰	۲۰۷۴
خرم آباد	۱۷۴	۲۱۲	۱۹۳
رحمان آباد	۱۹۹	۲۱۵	۲۳۰
گرد کانه	۴۰۳	۴۷۸	۴۵۷
دسبادام	۲۰۸	۲۹۰	۲۳۱
فشخواران	۴۷۲	۵۲۵	۵۴۸
سلیمان آباد	۲۹۶	۲۴۱	۳۹۲
شش یکان	۱۱۳	۱۸۵	۱۲۴
آب باریک	۲۴۱	۳۹۱	۲۹۷
همایونکش	۶۹	۸۱	۷۷
رشتیان	۳۰۵	۴۶۶	۳۵۰
عبدالتاجدین	۴۰۶	۵۶۲	۵۴۹
حصار	۳۷۵	۵۳۵	۳۸۹
هزارخانی	۱۵۸	۲۲۳	۲۰۰
حسن آباد	۲۵۰	۲۸۰	۲۹۸
جمع ۱۵ روستا	۵۴۵۵	۶۵۳۴	۶۴۰۹

۱- جمعیت سال ۴۵ برآورد مرکز آمار ایران - جمعیت سال ۴۹ برآورد بخشداري محل - جمعیت سال ۵۰ آمارگیری سازمان ریشه کني مالاریاست که از این مه برآورد جمعیت ۴۵ مربوط به گذشته و از دو جمعیت سال ۵۰ و ۴۹ جمعیت ۵۰ جدیدتر و دقیق و قطعی است .

۳- دهستان گودین :

نام ده	جمعیت ۴۵	جمعیت ۴۹	جمعیت ۵۱
گودین	۱۸۰۶	۱۵۱۲	۲۰۶۶
خمیس آباد	۵۹۹	۶۴۹	۷۴۵
طاهر آباد	۷۲۴	۶۶۹	۸۵۰
حسین آباد	۴۵۸	۴۹۲	۵۴۰
چشمه نوش	۲۴۲	۲۹۰	۲۵۸
گلیاران	۱۸۷	۱۸۸	۲۶۳
الله دانه	۱۲۱	۱۱۵	۱۴۴
سهم الدین	۱۳۲	۱۷۵	۱۶۴
ده بالا	۸۶	۷۵	۷۰
کوچه	۵۰۱	۴۶۷	۵۲۷
علی آباد پل	۷۸	۶۰	۲۴۹
شورچه	۴۸۴	۳۳۵	۵۶۴
رستم آباد بزرگ	۲۶۱	۲۶۶	۲۱۶
گلبداغ	۳۸	۴۳	۴۰
رحمت آباد	۳۹۲	۳۶۵	۴۵۰
عزیز آباد	۶۲	۵۰	۶۷
جمع ۱۶ روستا	۶۱۷۱	۵۷۵۱	۷۲۱۳

۴- دهستان قزوینه :

نام ده	جمعیت ۴۵	جمعیت ۴۹	جمعیت ۵۰
قزوینه	۴۱۱	۵۷۰	۴۲۹
اکبرآباد	۲۰۱	۲۳۲	۲۲۱
قاسم آباد	۱۱۴	۱۴۱	۱۶۱
دهنو	۳۷۷	۳۹۵	۴۲۰
سرست	۲۰۲	۲۱۳	۲۱۸
بردینه	۱۸۳	۲۵۰	۲۰۷
قره گز لو سفلی	۳۳۷	۳۷۰	۳۵۹
محمدآباد	۲۱۵	۱۲۵	۲۲۸
خارکش	۱۰۱	۱۱۸	۱۰۹
قره گز لو علیا	۲۳۱	۲۱۲	۲۸۲
جاورسینه	۱۴۱	۱۵۵	۱۷۴
حاجی آباد	۱۱۲	۱۲۱	۱۴۳
توشمالان	۳۶۲	۴۲۸	۴۱۱
نهرالدوله	۲۵۱	۲۵۲	۲۸۷
جمع ۱۴ روستا	۳۲۳۸	۳۵۸۲	۳۶۴۹

۵- دهستان سلطان آباد :

نام ده	جمعیت ۴۵	جمعیت ۴۹	جمعیت ۵۰
سلطان آباد	۷۳۰	۸۱۰	۸۸۹
قارلق	۱۰۷۱	۱۱۹۹	۱۳۰۸
خلیل آباد	۲۴۵	۳۰۴	۲۷۰
کرماجان	۵۸۹	۶۵۸	۷۰۷
فیروز آباد تپه	۳۹۰	۴۳۸	۴۱۹
فیروز آباد کوچک	۱۸۵	۱۹۲	۲۱۵
رستم آباد کوچک	۱۸۸	۱۹۰	۱۶۳
کارخانه	۷۸۲	۶۹۵	۹۹۴
علی آباد	۳۴۸	۳۵۲	۱۵۰
عباس آباد	۴۰۳	۴۴۰	۵۲۳
گند کیله	۱۱۴	۱۹۳	۱۵۳
حمزه آباد	۱۳۲	۷۲	۱۶۰
سریوه	۵۴	۹۵	۵۱
قوره جیل	۱۱۹	۱۸۵	۱۰۸
کریم آباد	۱۶۷	۲۳۵	۲۳۹
جمع ۱۵ روستا	۵۵۱۷	۶۰۵۸	۶۳۴۹

طبیعی بیشتر است. به عبارت دیگر ۱۵۸۵ نفر اضافه بر نسبت آهنگ رشد طبیعی جمعیت، اضافه جمعیت وجود دارد. بابررسی که در محل بعمل آمده علل عمده این عدم تعادل عبارت است:

الف - مهاجرت روستائیان، بخصوص خوش نشین ها^۱ به شهر کنگاور.

ب - مهاجرت از شهرستانهای مجاور «جزئی»

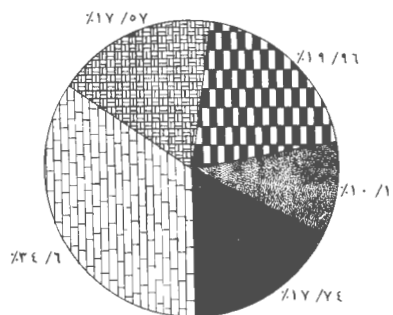
ج - به اغلب احتمال آهنگ رشد طبیعی جمعیت بیش از ۳٪ در مرکز بخش و دهات تابعه .

بطور کلی از مقایسه جمعیت سال ۱۳۴۵ و مرکز بخش و دهستانها مشهود می گردد که آهنگ رشد طبیعی سالانه جمعیت بیش از ۳٪ بوده و در حدود ۴٪ می باشد.

تخمیناً در حدود ۵۰٪ جمعیت ۱-۱۴ ساله هستند یعنی جمعیت به شدت با جوانی روبرو است. گرچه جوانی جمعیت خود یکی از ابتلائات اقتصادی است ولی نشان می دهد که عواملی نظیر پیشرفت نسبی بهداشت با توجه به عدم کنترل موالید، رفاه نسبی جامعه روستائی در چند سال اخیر و بخصوص دسترسی مردم کلیه دهات بمرکز درمان و طب پیشگیری در شهر به علت همواری نسبی منطقه و راههای نزدیک، استفاده از آب چشمه و لوله کشی، بهره وری از چاههای نیمه عمیق، ریشه کنی مالاریا، هوای مطبوع و مساعد کوهستانها، و بالاخره مبارزه با بیماریهای مهلک همگانی، سطح مرگ و میر را پائین آورده است. البته در بین روستائیان رعایت بهداشت به مفهوم واقعی آن وجود ندارد ولی در همین مرحله هم خود از عوامل بسیار مهم افزایش جمعیت است و قطعاً باید برنامه کنترل موالید بسیار سریع و بایستی در این ناحیه اجرا شود .

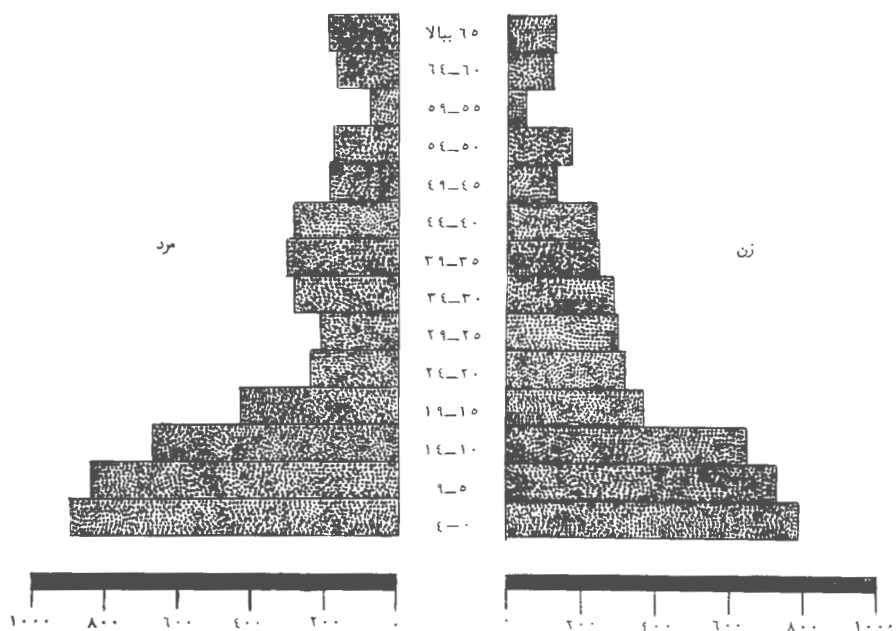
متأسفانه آمارگیری سنی در مدت کوتاه مطالعه و نیز بواسطه اشکالات دیگری عملی نبود ولی با توجه کلی به افزایش جمعیت میتوان هرم سنی سال ۱۳۴۵ شهر

نمودار جمعیت شهرستان کنگاور



شکل شماره ۲

هرم سنی جمعیت شهرستان کنگاور



شکل شماره ۳

کنگاور را هنوز هم کم و بیش به عنوان نمونه توزیع سنی جمعیت قبول کرد. از کل جمعیت شاغل شهری در حدود ۱۰٪ به کار کشاورزی و دامداری اشتغال دارند. گرچه شهر کنگاور (مرکز بخش) خود شهرک روستائی است و لسی «خدمات» بر کار مستقیم کشاورزی روی زمین و یا دامداری مطلق برتری دارد. از کل جمعیت روستائی شاغل بیش از ۹۰٪ به کار کشاورزی روی زمین و دامداری و حرف و مشاغل وابسته به کشاورزی اشتغال دارند.

گرچه قالی بافی یکی از صنایع محلی و بومی دهات این ناحیه است^۱ و می توان آن را مستقل به حساب آورد ولی عمده کار توسط اطفال کمتر از ۱۴ سال خانواده انجام می گیرد مخصوصاً اطفال ۸ تا ۱۲ ساله، زنان و مردان بیش از ۱۸ سال استاد کارند و تعدادشان قلیل است معهذا همین عده قلیل هم به حساب ۰.۵٪ جمعیت غیر کشاورز روستا گذاشته می شود.

در شهر کنگاور جمعیت شاغل از ده سال بیالا بطور مساوی بین کارکنان امور تولید و کارکنان فروش و مشاغل و خدمات تقسیم شده است.

بدین ترتیب می شود نتیجه گرفت که در ساختمان شغلی جمعیت مرکز بخش (شهر کنگاور) خدمات شهری غلبه دارد و در ترکیب شغلی جمعیت دهستانهای فش، سلطان آباد، قزوینه و گودین اشتغالات روستائی بسط پیدا می کند.

تعداد مراکز اصناف موجود در شهر کنگاور در تابستان ۱۳۵۰ از این قرار است: بقالی و عطاری ۱۶۰ باب، بزازی ۲۳، بارفروشی ۱۰، درودگری ۶، مسافرخانه و مهمانخانه ۲، بستنی فروشی ۲، گرمابه ۵، دوچرخه سازی ۴، مکانیکی ۵، قصابی ۱۰، خواربارفروشی ۱۰، سمساری ۱۰، مصالح ساختمانی ۳، آرایشگر مردانه ۳، اتوشوئی ۲، خشک شوئی ۱ که جمعا در این ۲۷۱ باب مغازه و محل کار در حدود ۵۰۰ نفر شاغل

۱- در حدود ۳۰۰ دار قالی و قالیچه وجود دارد که تقریباً ۸۰ درصد آن قالیچه است.

خدماتند و به عبارت دیگر اصناف جمعاً در حدود ۲٪ خانوارهای مقیم شهر کنگاور را شامل می‌شوند. در شهر کنگاور نیز ۴٪ خانواده‌ها در صنایع (قالی بافی- گلیم بافی- تهیه گیوه، بافتن کیسه حمام) اشتغال دارند. بقیه جمعیت در سایر خدمات و حرف مشغول می‌باشند.

منابع آب

منابع آب آشامیدنی و کشاورزی بخش کنگاور از چشمه، رودخانه و تعدادی قنات فراهم می‌شود. شرایط مساعد اقلیمی از جهت ریزشهای جوی و جنس زمین (آهکی - شیستی) و ساختمان آن طوری است که درپای تپه‌ها و کنار دامنه‌ها، چشمه‌های فراوان و دائمی که از منابع زیرزمینی در ساختمان آهکی تغذیه می‌شوند ظاهر می‌گردند و اغلب مجتمع این چشمه‌ها را (سرآب) می‌خوانند. وسعت چاله سراب بین ۲۰۰ تا ۱۰۰۰ متر مربع تغییر می‌کند و گودی آن از ۵ سانتیمتر تا دو متر است که در کف چاله چندین چشمه «اغلب بیش از ۲۰ چشمه» می‌جوشد و پس از پر شدن چاله سرآب آب به شکل رودخانه‌ای کوچک و گاهی بزرگ و بطور دائم «به عرض ۱ تا ۳ متر و عمق سی تا ۶ سانتیمتر» بر زمین جاری شده بمصرف زراعت یک یا چند آبادی مسیر و شرب دام می‌رسد. تعدادی از این انهار بهم پیوسته و اغلب در فصلی که کشاورزان از آن کمتر بهره‌برداری می‌کنند مازاد آب آنها به رودخانه اصلی گاماسی آب می‌رسد. آبهای نفوذی همین انهار و رودها خود نیز در تغذیه رود گاماسی آب دخالت دارند.

در بعضی از دهات ناحیه دشتی کنگاور عمده آب زراعتی از چاههای پرآب و کم عمق بوسیله موتور پمپ فراهم می‌شود. اولین چاه توسط یکی از مالکین علاقه‌مند به کشاورزی در سال ۱۳۳۲ در مزرعه‌ای نزدیک قارلق حفر شده و از آن پس استفاده از آب چاه جهت زراعت بتدریج معمول گردیده است. عمق این چاهها بطور متوسط ۱۴ متر و در هر حال مکنده آنها ۶ متر است و هیچگاه با کم آبی روبرو نمی‌شوند. متوسط

بهره‌برداری از هرچاه ۵ اینچ و حداکثر بهره‌برداری ۱۰ اینچ در ۲۴ ساعت است. حداکثر آب‌دهی چاهها در اواخر بهار و اوائل تابستان و حداقل آن در اواخر شهریور و اوایل مهر می‌باشد.

در حال حاضر یکصد و چهل حلقه چاه در ده روستا از دهات کنگاور وجود دارد که عبارتند از: قارلق ۶۲ چاه، سلطان‌آباد ۴، عباس‌آباد ۵، خمیس‌آباد و کارخانه ۱، طاهرآباد ۸، حسین‌آباد ۳، چشمه‌نوش ۲، رحمت‌آباد ۶، شهرآباد (کنگاور) و مزرعه حسن‌آباد ۱، فیروزآباد تپه ۳، و از مجموع ۱۴ حلقه چاه ۱۰ حلقه در روستاهای دهستان سلطان‌آباد و بقیه در روستاهای دهستان گودین واقع هستند. در واقع احداث چاه در نواحی خاصی از بخش کنگاور که سفره‌آب آن ذخیره کافی زیر زمینی دارد «ناحیه دهستان سلطان‌آباد و تاحدودی دهستان گودین» امکان‌پذیر است. پس از اصلاحات ارضی عده‌ای از زارعین صاحب نسق در نقاط مناسب پای کوه چاه زده‌اند که متأسفانه آب چندانی ندارد این چاه‌ها از نظر تعداد و مقدار آب قابل توجه نیستند. اکنون احداث چاه جدید به سادگی ممکن نیست و بموجب قانون باید با رعایت کلیه جوانب فنی و حقوقی به حفر چاه اقدام شود و خوشبختانه این امر تحت نظام معینی درآمده است.

طرز آب‌گیری سفره‌آب زیر زمینی و نوع اقلیم به ترتیبی است که استفاده مداوم از آب چاه آب‌آن را سنگین نمی‌کند و یا تبخیر آب از زمین سبب شور شدن زمین نمی‌گردد زیرا در سطح آب‌ده و در اراضی آبرفتی مقدار املاح نمکی بسیار ناچیز است. از آنجا که احداث چاه‌ها و استفاده از سفره‌آب زیر زمینی بسیار غنی دشت کنگاور در همه جا با روش علمی انجام نیافته، مشکلات و نارسائیهای بخصوص پس از تملک چاه‌ها از جانب عده‌ای از کشاورزان کم اطلاع بوجود آمده است. بطور متوسط زمین زراعتی لازم برای چاهی آبدار و یا پمپ ۴ اینچ در فصل آبدهی ۱۰ هکتار است ولی اغلب مشاهده می‌شود که زارعی چاه زده است و خود مالک چاه پراپی می‌باشد ولی زمین به اندازه فصل آبدهی ندارد و مازاد آب و نیروی انسانی

به هدر می رود و یا زارعی در برابر ۲۰ هکتار زمین مزروعی فقط مالک یک چاه چهار اینچی است که آب کافی برای زمین زارعتی خود ندارد. ظاهراً چنین بنظر آید که اگر در دهی دارای وضع مذکور باشد کم آبها که زمین بیشتری دارند می توانند از مازاد آب زارعین کم زمین و آب دار استفاده کنند اما متأسفانه در بعضی از روستاها، و مثلاً در قارلق که بیشترین تعداد چاهها را صاحب است (۶۰ چاه) اختلافات شدید محلی و پراکندگی ناصحیح زمین های مزروعی بر حسب منابع آب مانع توزیع منظم و مفید آب در کل ناحیه می شود. در آنجا اغلب مالکین اراضی واقع بین دو قطعه زمین زارعتی که یکی پر آب و دیگری کم آب است - اجازه احداث جوی و عبور آب نمی دهند. در نتیجه دو زارع نیازمند هر دو خسارت می بینند و در کل منطقه سطح زراعت پائین می آید. زارع کم آب یا بواسطه کمی بضاعت و یا بخاطر نظارت دقیق بر آبهای زیر زمینی که در سالهای اخیر اجرا می گردد نمی تواند چاه دیگری حفر کند و رویهمرفته زمین آبی اوعاغل و باطل باقی می ماند. گاهی فاصله بین دو نوع زمین مذکور زیاد است و به علت همین بعد فاصله، آبرسانی مقدور نیست. خوشبختانه این وضع عمومیت ندارد و در سطح کل ناحیه کنگاور کم و بیش ونه بمقیاس همگانی کسانی که آب مازاد بر احتیاج دارند آن را به کشاورزانی که آب کمتری دارند می فروشند و یا گاهی دیده می شود که آب را دارندۀ چاه، و زمین را زارع دیگری که بذرو کار هم از اوست می دهد و مالک آب $\frac{1}{4}$ تا $\frac{2}{5}$ کل محصول را به عنوان حقه می برد.

واحد اندازه گیری آب در روستاهائی که چاه و موتور پمپ دارند، اینچ ساعت می باشد ولی در بقیه روستاها مختلف است که به پاره ای از آنها اشاره می شود. در بعضی روستاها واحد تقسیم آبر (طاق) می نامند که معادل است با ۴ ساعت آب آبیاری که بطور متوسط بمصرف یک هکتار زمین مزروعی می رسد و چون هر ۲۴ ساعت ۳ طاق است، بنابراین یک هکتار زمین هر ۶ روز یکبار یک طاق آب سهمیه دارد. سابقاً در برخی از روستاها سایه ملاک اندازه گیری مقدار آب بوده و سایه

جسمی یا کوهی و یا درختی را مبنای تقسیم آب قرار می‌دادند و فعلا این طریق منسوخ شده و بجای آن واحد ساعت را بکار می‌برند. فی‌المثل در روستای محمدآباد (طویل‌گاه) مجموعه آب‌آبیاری به ۵ سهم تقسیم شده و هر ۲۴ ساعت (یک‌چهار جفتی) از آب استفاده می‌کند. گاهی در بعضی نقاط نظیر روستای خرم‌آباد آب‌بقدری زیاد است که استفاده از آن بهر مقدار و میزان آزاد است، بدین معنی که یک نهر پرآب از چند کیلومتری شمال آن از محلی بنام (سراب همدان) سرچشمه گرفته از میان اراضی خرم‌آباد می‌گذرد. میزان آب شاید بیش از ۲۰ سنگ باشد و در زمستان و تابستان میزان آبدهی آن ثابت است و در طول سال کم‌و‌زیاد شدن وجود ندارد. در حوالی خرم‌آباد ۴ بند از این رودخانه جدا شده بمصرف شرب مزارع می‌رسد. بعلاوه درخود خرم‌آباد، در قسمت شرق آن چالۀ بزرگی به قطر ۹ متر و به عمق نیم‌متر بنام سراب باباجان وجود دارد که از تمام قسمت‌های آن آب خنک و گوارائی بیرون می‌زند و مقدار آن نیز همیشه ثابت است. تمامی آب این چشمه در روستاهای فش و فشخواران مصرف میشود زیرا علاوه برآنکه خرم‌آباد بدین آب نیازی ندارد گود بودن این سراب نسبت به زمینهای مزروعی خرم‌آباد نیز استفاده از آنرا هیچگاه مورد توجه قرار نداده است. گاهی آب ازده معینی سرچشمه می‌گیرد و براساس تقسیمات خاصی به دهات پائین دست داده می‌شود. برای مثال در ۳ کیلومتری شمال طاهر آباد چشمه بزرگی است که از زمین بیرون می‌آید (شبه سراب خرم‌آباد) و اهالی به آن «سیاه‌کمر» گویند. آب این چشمه بشرح گردش ذیل به مصرف آبادیهای پائین دست می‌رسد.

- | | |
|---------------|-------------|
| ۱ - ده بالا | ۴ شبانه روز |
| ۲ - حسین‌آباد | ۶ شبانه روز |
| ۳ - طاهر‌آباد | ۷ شبانه روز |

مهمترین منابع آب زراعتی				نام روستا
چاه نیمه عمیق	رودخانه	چشمه	قنات	
			×	رستم آباد بزرگ
×	×			سهم الدین
			×	شورچه
	×			طاهر آباد
			×	عزیز آباد
			×	علی آباد
	×			کوچه
		×	×	گل پداغ
		×		گل یاران
	×			گودین
	×			حمزه آباد
	×			خلیل آباد
	×			رستم آباد کوچک
	×			سریوه
×	×			سلطان آباد
×	×			عباس آباد
	×			علی آباد

مهمترین منابع آب زراعتی				نام روستا
چاه نیمه عمیق	رودخانه	چشمه	قنات	
		×		جاورسینه
		×		حاجی آباد
		×		خارکش
		×	×	دهنو
		×		مرست
		×		قاسم آباد
	×	×		قره گز لوی سفلی
	×	×		قره گز لوی علیا
		×		قزوینه
	×	×		محمدآباد
	×			نهرالدوله
		×		الله دانه
×			×	چشمه نوش
×	×			حسین آباد
×			×	خمیس آباد
	×			ده بالا
×			×	رحمت آباد

مهم ترین آب زراعتی				نام روستا
چاه نیمه عمیق	رودخانه	چشمه	قنات	
	×			آب باریک
×	×			حسن آباد
	×			خرم آباد
	×			دم بادام
	×			رحمان آباد
		×		رشتیان
	×			سلیمان آباد
	×			شش یکان
		×		عبدالتاج دین
	×			فش
	×			فشخواران
			×	گرد کانه
		×		هزارخانی
		×		همایون کش
	×			اکبر آباد
		×		برزینه
		×		توشمالان

مهم ترین منابع آب زراعتی				نام روستا
چاه عمیق	رودخانه	چشمه	قنات	
×				فیروزآباد تپه
×				فیروزآباد کوچک
×			×	قارلق
	×			قوره چیل
×				کارخانه
	×			کرماجان
	×			گند کیله

پوشاک، ابزار کار، مسکن :

لباس مردم این بخش مانند ترکیب جمعیت آن شکل خود را از پوشاک بومیان و مهاجرین اولیه که در این محل سکنی گزیده‌اند می‌گیرد. هر جا که مجاور منطقه کردنشین و یا دامنه است و مردم آن از اعقاب کردها هستند لباس کردی ولی نه بصورت کامل و تمام عیار و با سنت مخصوص خود جلوه گر است و پوشاک کامل مرد یازن ترکیبی است از لباس کردی و غیر کردی (معمولی)، شلوارهای گشاد و دم‌پا باریک (دمه‌قوپان) در میان آنان زیاد رواج دارد. از این قبیل است لباس سردم روستاهائی نظیر خرم‌آباد و محمدآباد. گاهی در دهی لباس مردان از فرم و شکل معمولی تبعیت می‌کند ولی زنان لباس کردی را حفظ نموده‌اند (نمونه ده محمدآباد). گاهی قسمتی از لباس کردی جای لباس کار را می‌گیرد مثلاً در محمدآباد و یاد هاتی نظیر آن مردان لباس غیر کردی می‌پوشند و در موقع کار شلوار کردی پیاپی کنند. بانزول از دامنه و ورود به دشت و نزدیک شدن به نواحی مجاور «نهاوند» توپسرکان، اسدآباد» لباس معمولی غلبه پیدا می‌کند. در پاره‌ای از آبادیهای دشت اثراتی از لباس لری مشاهده میشود (نمونه فش). در مرکز بخش یعنی شهر دوازده هزار نفری کنگاور لباس مردم بطور کلی معمولی است.

در دهات پارچه بافی معمول نیست و روستائیان مواد اولیه لباس را از بازار مرکز بخش و یا شهرهای مجاور فراهم می‌کنند و روشن است که شهر خود پارچه مورد احتیاج را از بازارهای سایر شهرها تهیه مینماید. بازار عمده اصلی مردم شهر کنگاور شهر کرمانشاه است و توجه به پایتخت برای تهیه نیازمندیهای مردم معمول می‌باشد.

ابزار کار از نوع مشاغل مردم و احتیاجات آنان منشأ می‌گیرد و چون کار عمده اصلی مردم روستاها کشاورزی است بیش از هر کالای ساخته شده به ابزار کشاورزی نیازمندند. ابزار کشاورزی اصولاً بدو دسته فلزی و چوبی تقسیم میشود و ابزار فلزی غالباً از نوع و طرح ابزار جدید کشاورزی است.

از طرفی وضع ناهمواری ده و جنس خاک آن در انتخاب ابزار و آلات کشاورزی دخالت دارد. مثلاً در روستای عبدالعاجدین وضع پستی و بلندی اراضی مزروعی طوری است که نمی‌توان از وسائل ماشینی و تراکتور جهت شخم استفاده نمود و یا اگر در دهی مانند آنجا اقتصاد روستائی اصولاً برپایه داسداری باشد به استفاده از وسایل نوین کشاورزی توجهی نمی‌شود. در دهات دشتی که ناهمواری کمتری دارند و مخصوصاً در روستاهای پرآب، کشاورزی مکانیزه و استفاده از وسایل جدید از قبیل تراکتور و کمباین و ابزار فلزی و نوین وابسته به آن، به شدت رواج دارد. ناگفته نماند که در جنب همین اراضی کشاورزی مکانیزه، در مزارع متفرق ولی معدود، روستائیان با ابزار قدیمی و یا مرکب از قدیمی و جدید کشت و زرع می‌کنند. میتوان گفت که عمده محصول کشاورزی «گندم، جو، چغندر و صیفی» بوسیله آلات و ابزار جدید کشاورزی و هم قسمتی از وسایل قدیمی کشاورزی بعمل می‌آید. گاوآهن باخیش فلزی و از همان نوع که در سراسر ایران رواج دارد در کار کشت و زرع هنوز در اینجا جایی دارد. وسایل فلزی کاویدن زمین، سرساز، وسایل چوبی و فلزی خرمن کوبی، باد دادن غلات، درو، وجین، شخم، باربندی، عمده وسایل کشاورزی را تشکیل می‌دهد.

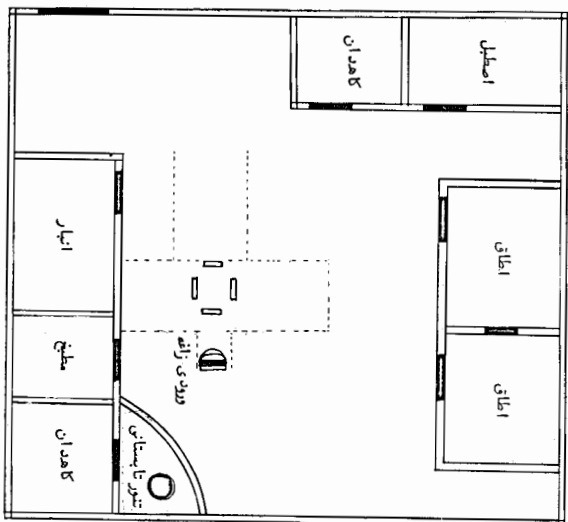
کمباین غالباً اجاره می‌شود و عمده کثیری از دهقانان تراکتور را نیز اجاره می‌کنند. از ابزار جالب درو در این محل آلتی چوبی است که برای چسپیدن به انگشتان دست دارای دوشاخه نظیر دستکش است و دو انگشت در آن جای می‌گیرد. این آلت از این رو مورد استفاده قرار می‌گیرد که بتوان مقدار بیشتری از ساقه گندم را در حین درو در دست نگهداشت.

در این ناحیه شکل ده که از مجموعه مساکن روستائیان تشکیل می‌گردد از وضع ناهمواری زمین و منبع آب مورد شرب و یا بستر جویبار و رودخانه پیروی می‌کند ولی در هر صورت دهات از نوع مجتمع و متمرکز می‌باشد و اگر از جهت آبراهه استفاده نمایند فرم آن طولی است. دهاتی که در کنار دامنه قرار دارند سرز

مجاور دامنه آنها مرز بسته است ولذا در امتداد قاعده دامنه و در آنجهت گسترده میشوند و خانه ها از نوع تراسی شکل پیروی میکنند. در جوارده و نزدیک منازل باغ یا باغهای اراضی مشجر را تشکیل می دهند و گاهی در امتداد جویبار و شهر درختکاری دالانی مشاهده میشود. اراضی مزروعی در همه جا مجاور ده می باشد و در اطراف و به فاصله نزدیک و تقریباً متصل به روستا قرار دارند. در دهاتی که در دامنه های کوهستانی واقع هستند، برجستگی های سنگی، اراضی مزروعی دیم زار را محدود می کند. در دشت و دره تا هر جا آب سوار شود و کفایت کند اراضی مزروعی آبی ادامه پیدا می کند. در دهاتی که از منبع چاه آب برای زراعت استفاده کنند اراضی مزروعی در دور و یا در یک طرف چاه مربوط متمرکز میشود. حدود مزارع هر زارع بواسطه کرت بندی و جوی سازی مشخص میشود و اراضی مزروعی یک ده دشتی بدون اطلاع قبلی از مرز بندی قراردادی اغلب یکپارچه و یک کاسه بنظر می آید. گاهی اراضی مزروعی چند زارع بر حسب نوع محصولات در یک ناحیه متمرکز میشود زیرا بمناسبت مرغوبیت زمین این قطعه بزرگ برای کشت خاص مناسب تشخیص داده شده است.

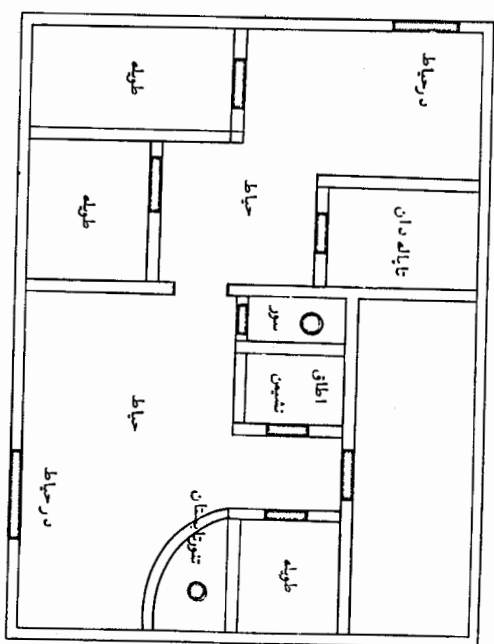
مصالح عمده بنادر روستاهای دامنه ای گل و خشت می باشد ولی پی اغلب ساختمانها سنگ است زیرا در جوار هر روستا سنگ کافی در دسترس است، پی دیوارها عموماً تا نیم متر از سنگ است و پس از آن بروی پی سنگی خشت بکار رفته و بقیه دیوار از خشت بالا میرود. گاهی خشت و چینه توأم و یا تنها چینه است. قطر دیوارها در حدود ۰۵ سانتی متر و حیاط هر خانه بادیوار و بار تفاع تقریبی ۲ متر از دیگری مجزا میشود. سقف بنا از تیرهای تبریزی و حصیر و گاهی هم از شاخه های نازک درختان پوشیده شده و روی آنرا کاه گل کرده اند. نمای خارجی بنا نیز عموماً کاه گلی و اکثر خانه ها یک طبقه است و اگر وضع اقتصادی و درآمد زارع خوب باشد بنای دو طبقه هم یافت میشود. از اتاقهای فوقانی اغلب برای پذیرائی از مهمان و یا نصب داربست قالی استفاده میشود.

کروکی پلک خانه در رتاقی



شکل شماره ۴

کروکی پلک خانه در روستای نقر



شکل شماره ۵

اگر در روستائی دامداری اساس زندگی اقتصادی را تشکیل دهد خانه دارای آغل و طویله می باشد و چون محصول پشم که وابسته به دامداری «گوسفند» است قالی بافی را رواج می دهند ایجاد بنا برای کارگاه قالی بافی الزام آور می شود. در این ناحیه و بخصوص در روستاهای دامنه ای سوخت زمستان یکی از مواد مهم مورد نیاز مردم را تشکیل می دهد و بیش از هر چیز سوخت تاپاله (مدفوع گاو و گوسفند) رایج است که باید خشک شده آنرا انبار کنند و از این رو در هر منزل ایجاد تاپاله دان یا انبار سوخت زمستان از قسمتهای اصلی بنا است و اطاقی بدان اختصاص می یابد. برای پختن نان در زمستان در داخل اطاق نشیمن یا یکی از اطاقهای دم دست تنور وجود دارد که پس از طبخ نان بالای تنور کرسی قرار داده اهل خانه در دور آن گرم میشوند. برای طبخ نان در تابستان در گوشه ای از ایوان تنور تعبیه شده است و اهل خانه در تابستان به علت سردی نسبی هوا در بعضی از شبها بر روی آن کرسی گذاشته بدوران میخوانند.

در اطاقها همه از تخته است که بوسیله استاد کاران محلی ساخته می شود. کف اطاقها بطور متوسط در حدود ۷ سانتیمتر از کف زمین بالاتر است و دیوار اطاقها را از داخل با گل رس روکاری می کنند. عمل روکاری و گل مالی داخل اطاقها از مشاغل اختصاصی زنان خانه است ولی ساختن دیوارها بعهده مردان خانه و بناهای محلی است که عموماً خوش نشین می باشند. در هر صورت چوب بست سقف باید بوسیله استاد کاران محلی انجام شود.

در روستاهای دشتی پی ساختمانها اکثر سنگی است ولی گل و خشت و چوب، مصالح عمده بنا را تشکیل می دهد. در این قبیل روستاها سنگ را از مرتفعات مجاور که اغلب فاصله زیادی با روستا ندارد می آورند. در این نواحی هم معمول چنین است که پی ساختمان را تا نیم متر با سنگ می چینند و در روی آن دیوار خشتی و یا چینه ای می نهند. ضخامت دیوارها نیم متر و ارتفاع آن برای خانه های یک طبقه در حدود ۳/۵ متر و برای خانه های دو طبقه در حدود ۶ متر است و در مجموع، ارتفاع

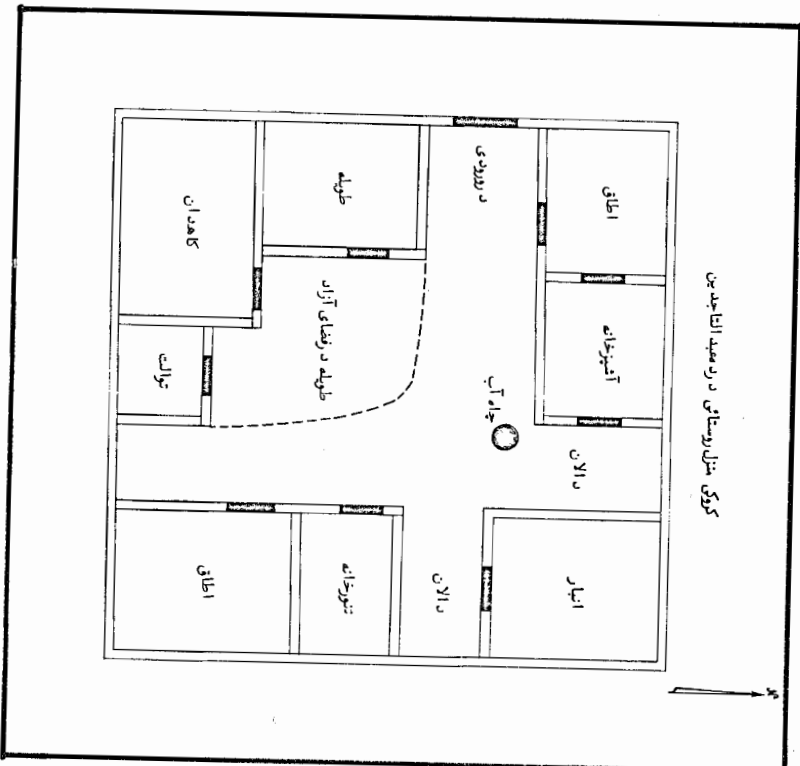
سقف آنها از مساکن و منازل دامنه‌ای بلندتر است. سقف‌ها را با تیرهای تبریزی پوشانده بر روی آنها حصیرهای ترجینی ساخت همدان قرار می‌دهند بطوریکه از داخل اطاق کاملاً پیدا است. روکاری دیوارهای خارج ساختمان کاه‌گلی و روکاری داخلی اغلب ساختمانها از گل سفید است و اگر قدرت اقتصادی زارع اجازه دهد گچکاری و سفیدکاری هم معمول است.

ناگفته نماند که از دوسه سال پیش در روستاهای بزرگ پردرآمد چه در دامنه و چه در دشت مصالح دیوار معدودی از ساختمانها بجای خشت و گل به آجر تبدیل شده و اصول بنائی شهری بیشتر رعایت میشود.

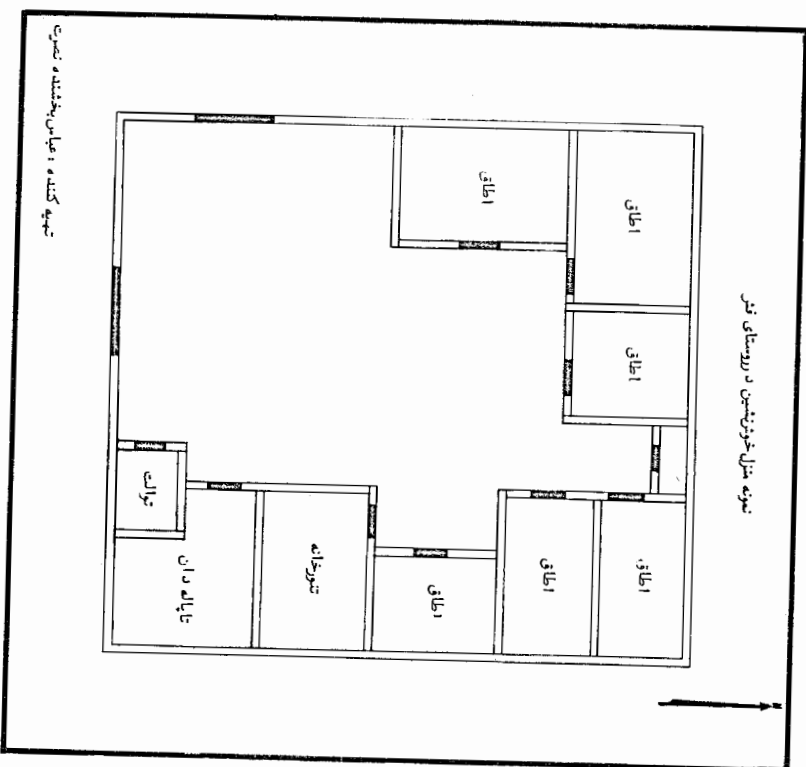
در روستاهای دشتی چون اساس زندگی اقتصادی ساکنان آن بر مبنای کشت و زرع است از این رو مساکن آنها علاوه بر اطاقهای نشیمن دارای انبار و کاهدان است و چون اغلب دامداری در حد رفع نیاز خانوار مرسوم می‌باشد خانه خوش- نشین‌ها و روستائیان کشاورز دارای طویله است. در اینجا هم برای نگهداری سوخت زمستان اطاقی را به تاپاله‌دان اختصاص می‌دهند و برای پختن نان نیز اطاقی جدا اختصاص داده می‌شود. بدین ترتیب تجهیزات خانه که بر مبنای نیازهای روستا تشکیل میشود عبارتند از: اطاق نشیمن - اطاق مهمان - مطبخ - اطاق تنور - طویله - تاپاله‌دان - انبار - آبریزگاه - کاهدان. اطاق نشیمن و پذیرائی و مطبخ عموماً دارای طاقچه‌های متعدد هستند و در روی طاقچه وسایل خانه گذاشته می‌شود. در این جا کف اطاق‌ها از سطح زمین بیش از نیم متر ارتفاع دارد و دارای ایوانی است بعرض ۱/۵ الی ۲ متر و ایوانها بوسیله ستونهای تیر تبریزی پابرجا است.

چه در روستاهای دامنه‌ای و چه در آبادیهای دشتی، خوش نشینها در حیاط خود تعدادی اطاق نشیمن (مازاد بر احتیاج) ساخته آنها را اجاره می‌دهند و مستأجران عموماً باز از خوش نشینهای روستا، ویا در دهات بزرگ از مأموران دولتی هستند.

متوسط وسعت حیاط منازل دامنه‌ای ۲۰۰ متر و دشتی ۳۰۰ تا ۴۰۰ متر



شکل شماره ۱



تیمه کننده: عباس پخشنده نصرت

شکل شماره ۲

است. چه در روستای دامنه‌ای و چه در دشتی اگر تعداد گوسفندان زیاد باشد زاغه هم به منزل اضافه میشود. زاغه در واقع زیر زمینی است که بسرای نگهداری گوسفندان در زمستان از آن استفاده می‌گردد. نگهداری گوسفند در زاغه دو فایده دارد، یکی بطور طبیعی گرم است و دیگر اینکه از آفت کنه بدور است. زاغه‌ها عموماً حدود ۴ تا ۵ متر در عمق زمین حفر می‌گردند و بوسیله ۱۵ تا ۲ پله با سطح حیاط ارتباط می‌یابند. وسعت هر زاغه بطور متوسط ۴ متر (بطول و عرض چهارم سه و ارتفاع دومترا) است و داخل آن نورگیر نیست. عموماً زاغه‌ها را برحسب احتیاج از جهت تقسیم بندی انواع دام و یا تعداد دام دو قسمتی یا سه قسمتی می‌سازند بدین ترتیب که در سه طرف انتهای تحتانی پله « دالان یا مدخل ورود » سه درگاه می‌سازند و هر درگاه در حکم در هر زاغه است یعنی سه زاغه با یک مدخل می‌باشد.

زاغه‌ها از سقف خود که شاید دو سه متر ضخامت دارد بوسیله یک روزنه کوچک به خارج راه دارد که بهنگام لزوم برای تهویه مدتی باز گذاشته می‌شود. قطر این روزنه‌ها بطور متوسط ده سانتیمتر است. کف زاغه را همیشه تمیز میکنند و تا پاله‌ها را نیز از آن خارج می‌سازند و پس از گرد و پهن کردن در آفتاب خشکانیده بمصرف سوخت می‌رسانند.

ایجاد زاغه علت اقتصادی و طبیعی دارد چون طویله‌ای است بسیار کم خرج و گرم که با حفر زمین که صرفاً به کار خود خسانوار بستگی دارد درست می‌شود در حالی که اگر بنا باشد اصطبل بسازند برای دیوارچینی و مسقف کردن آن باید متحمل هزینه زیادی گردند از این گذشته گرم کردن اصطبل در زمستان سرد آنجا بسیار مشکل است و حتی اغلب اوقات که روستائیان هنگام کار احساس سرمای شدید می‌نمایند داخل زاغه شده در میان گوسفندان گرم می‌شوند. علاوه بر این مزایا ایجاد زاغه از وسعت حیاط نمی‌کاهد و دام هم از دستبرد در امان است. در اغلب دهات در انتهای اطاق نشیمن، اطاق کوچکتری (صندوقخانه)

وجود دارد که بمنزله انبار آذوقه خانوار است. در این انبار خمره های بزرگ گلی تعبیه شده است که به آن (تاپو) یا کنو بی گویند. ارتفاع این خمره ها معمولاً در حدود ۲ متر و قطر آن ۱/۵ متر می باشد و گندم و یا جو در آن نگهداری می کنند. در بعضی از خانه ها در حیاط گودال عمیقی به عمق ۳ متر و بقطر دو متر حفر می کنند که گندم را پس از برداشت برای ذخیره زمستانی در آن گودال که به نام (چال گندم) معروف است نگهداری می کنند.

متأسفانه به علت کمی فرصت، تحقیق در نحوه مالکیت مساکن مقدور نشد ولی با مراجعه به فهرست خانه و خانوار چگونگی نسبت خانوار به خانه در دهستانهای کنگاور روشن می شود.

کشاورزی

بخش کنگاور را اصولاً باید ناحیه ای کشاورزی نامید زیرا عمده کار مردم زراعت است و درآمد آنان از اقتصاد روستائی حاصل می شود. غلات (گندم و جو) صیفی، چغندر قند، حبوبات، خشخاش، و علوفه ارقام عمده محصولات کشاورزی را تشکیل می دهد. در اغلب روستاها گوسفندداری و پرورش تعدادی گاو نیز همراه کشت و کار معمول است و در یکی دو ناحیه کوهستانی (روستای عبدالعاجدین) وجود مراتع دامنه ای و کوهستانی حتی گله داری را به شکل حرفه خاص شبانی بوجود آورده است.

مساحت کل اراضی میزروعی آبی و دیم کنگاور با توجه به آیش دیم محلی ۳۲۱۳۲ هکتار می باشد که توزیع آن بر حسب دهستان روده و مرکز بخش به شرح جدول مربوط است:

جدول خانه و خانوار

۱- دهستان فش :

نام ده	تعداد خانه	تعداد خانوار
آب باریک	۵۱	۴۸
حسن آباد	۵۱	۵۱
حصار	۵۴	۶۳
خرم آباد	۳۸	۳۲
دبیادام	۳۶	۴۰
رحمان آباد	۳۸	۴۰
رشتیان	۶۶	۶۶
سلیمان آباد	۵۷	۶۲
شش یکان	۲۰	۱۹
عبدالتاچدین	۸۲	۹۶
فش	۳۳۷	۳۱۹
فشخواران	۸۲	۸۴
گرد کانه	۸۲	۷۷
هزارخانی	۲۸	۳۲
همایونکسش	۱۳	۱۳
جمع روستا ۱۵	۱۰۳۵ خانه	۱۰۴۲ خانوار

۲- دمستان گودین :

نام ده	تعداد خانه	تعداد خانوار
الله دانه	۲۳	۲۰
چشمه نوش	۳۶	۴۱
حسین آباد	۸۲	۸۴
خمیس آباد	۱۰۴	۱۱۷
ده بالا	۱۱	۱۱
رحمت آباد	۸۲	۷۹
رستم آباد بزرگ	۴۲	۳۵
سهم الدین	۳۲	۳۰
شورچه	۸۵	۱۰۰
طاهر آباد	۱۳۵	۱۳۳
عزیز آباد	۱۰	۱۲
علی آباد	۴۳	۴۲
گل بداغ	۷	۵
کوچه	۷۳	۷۹
گلیاران	۳۹	۴۵
گودین	۲۹۹	۳۳۰
جمع ۱۶ روستا	۱۱۰۳ خانه	۱۱۶۳ خانوار

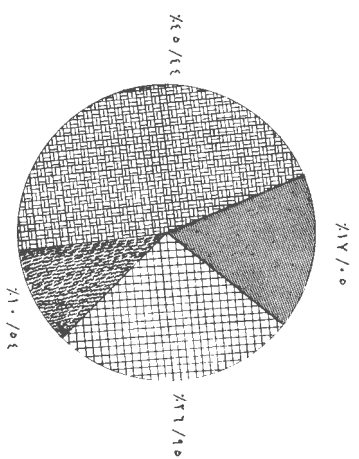
۲- دهستان قروینه :

نام ده	تعداد خانه	تعداد خانوار
اکبرآباد	۳۷	۳۸
بردینه	۳۲	۳۳
توشمالان	۷۲	۶۸
جاورسینه	۲۶	۲۸
حاجی آباد	۱۹	۲۱
دهنو	۶۲	۷۵
سرست	۳۴	۴۱
خارکش	۱۷	۱۹
قاسم آباد	۲۸	۲۷
قره گز لوسفلی	۵۱	۶۶
قره گز لوعلیا	۴۴	۴۸
قزوینه	۷۳	۷۳
محمدآباد	۳۶	۴۲
نهرالدوله	۴۹	۵۰
۱۴ روستا	۵۸۰ خانه	۶۲۹ خانوار

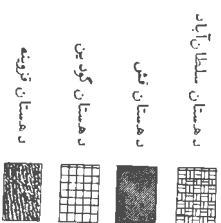
۴- دهستان سلطان آباد :

نام ده	تعداد خانه	تعداد خانوار
حمزه آباد	۲۰	۳۱
خلیل آباد	۳۴	۴۸
رستم آباد کوچک	۲۵	۳۰
سریوه	۵	۶
سلطان آباد	۱۴۶	۱۵۶
عباس آباد	۷۹	۸۱
علی آباد	۲۰	۲۶
فیروز آباد بزرگ	۷۰	۷۳
قارلق	۲۲۷	۲۲۹
قوره چیل	۱۸	۱۹
کارخانه	۱۴۲	۱۵۸
کرماجان	۱۱۹	۱۲۶
کریم آباد	۱۶	۲۴
کند گیله	۲۰	۲۷
فیروز آباد کوچک	۳۵	۳۷
جمع ۱۵ روستا	۹۷۶ خانه	۱۰۷۱ خانوار
جمع کل ۶۰ روستا	۳۶۹۴ خانه	۳۹۰۵ خانوار

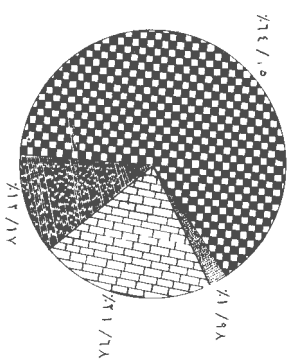
نمودار اراضی آبی



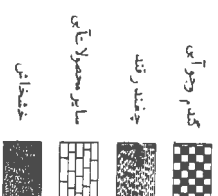
شکل شماره ۸



نمودار وسعت اراضی مرزونی آبی



شکل شماره ۹



جدول اراضی

نام روستا	اراضی آبی به هکتار	اراضی دیم به هکتار	سطح مکانیزه به هکتار	فاصله تا مرکز بخش به کیلومتر
قاسم آباد	—	۵۰	—	۴۸
دهنو	۳۲	۱۹۰	—	۴۰
سر مست	۱۲	۸۰	—	۳۰
بردینه	۵	۲۵۰	—	۳۵
قره گز لوسفلی	۱۸۰	۳۶۰	—	۹
محمد آباد	۱۸	۷۰	—	۹
خارکش	۱۴	۱۱۰	—	۱۲
قر گز لوعلیا	۱۵	۷۵	—	۱۲
جاورسینه	—	۱۵۰	—	۳۲
حاجی آباد	۱۰	۷۰	—	۳۰
توشمالان	۳۰	۲۴۰	—	۴۳
نهرالدوله	۱۸۰	۱۸۰	—	۳
سلطان آباد	۱۸۰۰	۲۴۰۰	۱۷۰۰	۹
قارلق	۴۲۰	۶۶۰	۲۰۰	۱۷
خلیل آباد	۶۰	۱۲۰	۱۲۰	۴
کرماجان	۱۰۰	۲۰۰	۳۲۰	۴
فیروز آباد تپه	۸۴	۷۰۰	۴۴۰	۶
فیروز آباد کوچک	۱۵۰	۱۵۰	۸۰	۶
رستم آباد کوچک	۴۵	۷۰	۶۰	۳
کارخانه	۱۸۰	۴۰۰	—	۳
علی آباد	—	۶۰۰	—	۵
عباس آباد	۱۹۲	۱۹۲	—	۷

۴	—	۱۵۰	۸	گند کیله
۴	—	۶۰	۱۸	حمزه آباد
—	—	۶۰	۶۰	رحمان آباد
۲۱	—	۱۶۰	۴۰	هزارخانی
۲	۳۹۰	۶۰۰	۳۹۰	حسن آباد
۱۵	—	۷۵۰	۱۰۰	گودین
۱۰	—	۹۰۰	۳۵۰	خمیس آباد
۱۰	۱۶۰	۴۰	۳۶۰	طاهر آباد
۱۱	۹۰	۵۰	۳۵۰	حسین آباد
۱۶	۲۲۰	۵۶۰	۱۴۰	چشمه نوش
۱۲	۱۲۰	۲۰۰	۳۵	گلیاران
۱۳	—	۲۴۰	—	الله دانه
۱۴	—	۲۴۰	۶۰	سهم الدین
۱۳	۱۰۰	۲۸۰	۱۴۰	ده بالا
۱۱	—	۳۰۰	۴۰	کوچه
۱۸	—	۲۸۰	—	علی آباد پل
۱۷	۱۰۰	۲۳۰	۹۰	شورچه
۱۰	۹۰	۷۰۰	—	رستم آباد بزرگ
۱۱	۶۰	۱۱۵	۵	گلبداغ
۱۲	۴۷۵	۹۵۰	۱۶۰	رحمت آباد
۶	۹۰	۱۸۰	—	عزیز آباد
۴۰	—	۱۲۰	۴۰	قزوینه

۱۴	—	۴۸۰	۱۲۰	فش
۴	—	۱۸۰	۱۸۰	اکبرآباد
۱۶	—	۱۰۸	۲۷	خرمآباد
۸	۲۴۵	۱۲۰۰	۳۰	گردکانه
۵	—	۶۰	۸۰	دم بادام
۹	—	۲۴۸	۱۲۴	فشخواران
۹	—	۳۰۰	۴۵	سلیمانآباد
۵	—	۹۰	۴۰	شش یکان
۱۰	—	۳۰۰	۷۰	آب باریک
۱۲	—	۳۲	۱۲	همایون کش
۱۴	۱۵۰	۶۰۰	۱۰۰	رشتیان
۱۶	—	۱۰۰۰	۱۰	عبدالتاجدین
۳۰	—	۸۰	۱۰	حصار
۴	—	۳۴	۱۲	سریوه
۴	—	۳۲	۱۶	قوره چیل
۵	—	۹۰	—	کریمآباد
۵۲۰۵	۱۹۲۰۶	۶۷۸۹	جمع کل چهاردهستان	
۴۳۲	۲۰۰	۳۰۰	مرکز بخش کنگاور (تخمیناً)	
۵۶۳۷	۱۹۴۰۶	۷۰۸۹	جمع کل ناحیه کنگاور	

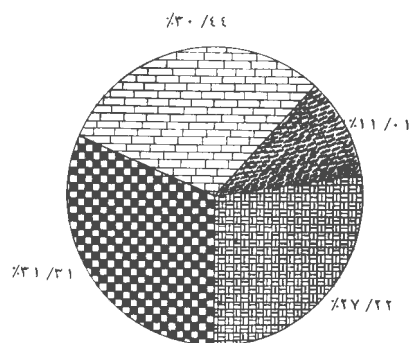
از مقایسه ارقام فوق با ارقام مندرج در فرهنگ آبادیهای کشور نتیجه چنین می شود: بموجب مندرجات فرهنگ آبادیهای کشور وسعت اراضی آبی ۲۰۱۱ هکتار و مساحت اراضی دیم ۷۷۰۲ هکتار آیش دیم ۷۸۸۷ هکتار و سایر محصولات ۲۴۹۰ هکتار برآورد شده است. یعنی در سال ۱۳۴۵ مساحت کل اراضی آبیسی

می‌بایست تخمیناً در حدود ۴۵۰۱ هکتار و وسعت کل اراضی دیم باآیش ۱۵۵۸۹ هکتار باشد در صورتی که در زمان مطالعه یعنی تابستان ۵۱ هکتار مساحت اراضی آبی غیر از سطح مکانیزه که تصور میشود در برآورد سال ۴۵ مورد نظر نبوده ۷۰۸۹ هکتار و وسعت دیمزارها ۱۹۴۰۶ هکتار بوده است. بدین ترتیب باید قبول کرد که بسبب اجرای اصلاحات ارضی و در نتیجه احیای اراضی مورد تملک از جانب دهقانان از بندرسته و تشویق مالکین به توسعه زراعت مکانیزه حداقل ۲۵۸۸ هکتار به وسعت اراضی آبی معمولی و ۳۸۱۷ هکتار به وسعت اراضی دیم اضافه شده است .

کشت و برداشت غلات (گندم و جو) :

مقدار و توزیع فصلی ریزشهای جوی و منابع آب زیر زمینی نسبتاً کافی و جنس خاک مناسب و هوای مساعد موجب توسعه کشت غلات شده است. در نواحی کوهستانی و دامنه و دشت گندم آبی را از اوایل مهرماه تا اوایل آبان ماه و گندم دیم را نیز در همان ایام کشت مینمایند و در تیرماه درومی کنند. فصل درو در روستاهای دشتی چند روزی جلوتر از دهات دامنه و کوهستانی است. برای شخم مزارع گندم در روستاهای کوهستانی استفاده از گاواهن غلبه دارد زیرا به علت پستی و بلندی عرصه کشاورزی نمی‌توان از وسائل ماشینی شخم‌زنی استفاده نمود و در دهی نظیر روستای کوهستانی و مرتع دار و گله پرور عبدالعاجدین که زمین پرشیب و اساس اقتصاد روستائی دامداری است به استفاده از وسایل جدید و ماشینی کشاورزی کمتر توجه می‌شود و عمده سرمایه گذاری متوجه دامداری است و عملاً کشت و برداشت غلات فقط به منظور تأمین نان و قوتی است است که تازه کافی نمی‌باشد. هر قدر از اراضی کوهستانی و دامنه متوجه دشت شویم برای شخم زمین از تراکتور و به مقدار کمی از گاواهن استفاده می‌شود. گاهی جنبه‌های مختلف کشاورزی ماشینی و روش قدیم توأماً انجام می‌گیرد. مثلاً شخم اول با تراکتور و برای آمادگی بذرافشانی غلات از گاواهن و برای برداشت از داس و یا کمباین استفاده می‌شود. غلبه کارهای ماشینی در جاهایی متمرکز است که اولاً منابع آب غنی است و یا بیشتر از چهارهای نیمه عمیق استفاده می‌شود ثانیاً زمین دشتی و هموار

نمودار اراضی دیم



- دهستان گودین 
- دهستان سلطان آباد 
- دهستان قزوینه 
- دهستان فنس 

شکل شماره ۱

بوده یک یادو کشت بازرگانی مورد توجه باشد.

در روستاهای دشتی معمولاً برای کشت گندم آبی در زمین های سفت (گچه رو) که خاک آن سیاه است پس از شخم زمین را کاملاً آبیاری می کنند و پس از آن بذر می افشانند و از اولین آبیاری تا اوایل بهار (دهم اردیبهشت) آب نمیدهند و لسی در زمین های معمولی که خاک آن قرمز رنگ است (رسی شنی) پس از بذرافشانی در پائیز مجدداً آن را شخم کرده فقط یکبار آبیاری می کنند و تا بهار (دهم اردیبهشت) آب نمیدهند مگر در سالهایی که کم باران باشد. از این تاریخ تا رسیدن دانه های گندم آن را چهار بار آبیاری می کنند که معمولاً فواصل آبیاری ۱۰ روز یکبار است. عموماً فاصله آخرین آب تا هنگام درو در حدود بیست روز می باشد.

میزان بذریابی گندم در اراضی آبی معمولی در هکتار ۲۰۰ و در اراضی مکانیزه آبی در حدود ۱۲۰ کیلو گرم است. بطور متوسط از هر هکتار گندم کاری مکانیزه بیش از ۲۰ تخم و از هر هکتار گندم کاری معمولی در حدود ۱۰ تخم برداشت می شود. مقدار بذر پاشی گندم در اراضی دیم کار از ۱۱۰ تا ۱۵۰ کیلو می باشد و برداشت بطور متوسط در حدود ۸ تخم است.

باید دانست که اراضی آبی گندمکار همیشه زیر کشت گندم نیست و چرخش کشت وجود دارد بدین ترتیب که قسمت کوچکی از زمین را زیر کشت شبدر یا صیفی و سایر محصولات قرار می دهند و پس از برداشت این محصولات جای آن گندم میکارند و در واقع عملاً خاک زمین زراعتی را تقویت می کنند.

کشت گندم دیم بیشتر در اراضی دامنه کوهستانی رواج دارد و میزان محصول از چگونگی و مقدار ریزشهای جوی در بهار تبعیت می کند و بدیهی است که زحمت آبیاری ندارد. ناگفته نماند که توسعه اراضی مزروعی دیم در این ناحیه به ضرر کار دامداری انجام گرفته است زیرا دهقانان صاحب نسق بمنظور توسعه مساحت دیمکاری ناچار بوده اند اراضی بایر سابق را که با علوفه فصلی و لو فقیر می توانست گوسفندانی را تغذیه نماید زیر کشت بگیرند و در بعضی از دهات تا آخرین حد

ممکن قله و تپه را بدون رعایت صرفه اقتصادی زیر کشت گرفته‌اند. معمولاً بازده این اراضی بسیار کم و بزحمت به ۳-۴ تخم می‌رسد در حالی که اگر مانند سابق آزاد گذاشته می‌شد تا از علوفه آن گوسفندان تغذیه نمایند از طریق پرورش دام بمراتب درآمد بیشتری عاید دهقانان می‌گردید. گذشته از این چون اغلب جهت شخم مماس یرشیب کوهستان انتخاب شده است زمین‌ها گرفتار شست و شوی شدید و فرسایش سریع شده و استعداد کشت و زرع جزئی را هم از دست داده است.

برابر مندرجات فرهنگ آبادیهای کشور مساحت کل اراضی آبی زیر کشت گندم وجود در سال ۴۰ بالغ بر ۲۱۳۰ هکتار بوده است که از این وسعت فقط ۱۱ هکتار آن را به کشت جو اختصاص داده بودند. در تابستان ۵۱ برابر برآورد انجام شده ۲۸۱۰ هکتار از اراضی غیر مکانیزه زیر کشت گندم آبی و ۱۰۰ هکتار زیر کشت جو آبی و در حدود ۵۲۰۰ هکتار زیر کشت گندم آبی مکانیزه قرار داشت. بنابراین در سال زراعی ۵۰-۵۱ (مهر ۵۰-مهر ۵۱) از مجموع ۱۲۷۲۶ هکتار اراضی آبی مکانیزه و غیر مکانیزه ۸۱۶۵ هکتار یا تقریباً ۶۰٪ از مجموع اراضی آبی زیر کشت غلات مخصوصاً گندم بوده است. از مطالعه و مقایسه ارقام سطح کشت سال ۴۰ و ۵۱ معلوم می‌شود که توسعه چشمگیری در پیشرفت کشت آبی غلات وجود داشته است. ولی بعقیده نگارنده در گزارش سال ۴۰ مساحت اراضی مکانیزه در نظر گرفته نشده است زیرا در ظرف ۵ سال توسعه‌ای در حد چهار برابر اغراق آمیز است بخصوص که در این ناحیه کشت مکانیزه از سال ۱۳۳۲ سابقه دارد. مع هذا اگر مساحت اراضی مکانیزه را کنار بگذاریم باز در طول این مدت کوتاه حداقل ۷۶۵ هکتار بر وسعت اراضی آبی عادی زیر کشت گندم اضافه شده است. باید یادآور شد که با پیشرفت سریع کشاورزی مکانیزه، توسعه اراضی آبی غلات، تقریباً بمیزان ۳۰٪ در طول پنج سال عادی است و مسلماً اگر آمار دقیق توسعه اراضی مکانیزه از سال ۴۰ تا ۵۱ در دست می‌بود پیشرفت وسیع‌تری را که قطعاً وجود دارد می‌شد نشان داد. باز بر اساس همان آمار سال ۴۰ مساحت زیر کشت گندم وجود در آن

سال ۷۵۱۳ هکتار بوده که از این مقدار ۱۱۰۷ هکتار زیر کشت جو بوده است . در برآورد تابستان سال ۵۱ مساحت تقریبی زیر کشت غلات دیم ۸۵۰۰ هکتار بود که فقط در حدود ۱۰۰۰ هکتار آن به کشت جو اختصاص داشت . بنابراین از ۱۹۴۰۶ هکتار اراضی دیم با توجه به آیش ۸۵۰۰ هکتار یا ۴۴٪ وسعت اراضی دیمکاری زیر کشت گندم و جو بوده است . چون در اراضی دیم معمولاً گندم و جوی کمراند باید قبول کرد که حدود ۶۰٪ از اراضی دیمکاری برای تقویت و غذا گیری «آیش» آزاد گذاشته شده است . در این قسمت هم در مجموع وسعت اراضی دیمکاری غلات افزایشی به چشم میخورد بدین ترتیب که بر وسعت اراضی غلات نسبت به سال ۴۰ در حدود ۹۸۷ هکتار افزوده شده است که باید آن را معلول دو علت دانست یکی سال بهتر از جهت ریزشهای جوی ، دیگر توسعه اراضی قابل کشت و تخصیص آن به کشت غلات، یعنی زارع صاحب نسق علفزارهای فصلی را تبدیل بمزارع گندم و جو نموده است .

در هر صورت توسعه اراضی آبی عادی و مکانیزه و دیم کشت غلات موجب افزایش محصول غلات شده است و برابر برآوردهای محلی اگر مقدار متوسط تولید گندم را در اراضی آبی مکانیزه هکتاری در حدود ۲/۵ تن و در اراضی آبی معمولی حدود دو تن حساب کنیم مقدار تولید گندم آبی در سال مورد مطالعه در حدود ۱۸۵۰۰ تن بوده است . مقدار متوسط تولید گندم دیم در هکتار حدود یک تن است و از این قرار مقدار تولید گندم دیم در سال مورد بحث بالغ بر ۸۵۰۰ تن می شود بنابراین مجموع تولید گندم در این سال به حدود ۲۷۰۰۰ تن میرسد . میزان تولید جو نیز در همین سال در حدود ۱۵۰۰ تن و از این قرار مجموع تولید غلات در زمان مورد مطالعه در حدود ۲۸۵۰۰ تن می باشد که با برآوردهای محلی نیز مطابقت دارد . به علت همین تولید نسبتاً زیاد گندم در این ناحیه و نیز نواحی گندم کار مجاور در کنار شهر کنگاور سیلوی ۱۶ هزار تنی در دست ساختمان و نزدیک به اتمام بود تا مسأله ذخیره و نگهداری گندم در آینده مشکلی بوجود نیاورد . قسمت عمده گندم

تولیدی کنگاور به بازارهای خرید ارسال می شود و در واقع کشت گندم جز مصرف محل، نوعی کشت بازرگانی است و انبار آن شهرک روستائی کنگاور می باشد.

کشت و برداشت چغندر قند:

کشت چغندر بیشتر در دهات دشتی متداول است. معمولاً از بیستم اسفند تا دهم فروردین ماه بذر افشانده می شود و تا پس از وجین اول به آن آب نمی دهند. پس از وجین دوم مزرعه چغندر را هر هفته یا ده روز در میان آب می دهند و اغلب کار وجین تا برداشت محصول ادامه دارد. کشت چغندر از نوع کرت بندی است و مزارع آن بیشتر باتراکتور شخم می شود.

کشت چغندر بدون کود امکان پذیر نیست و در مزارع چغندر دو نوع کود مصرف می کنند یکی کود حیوانی بدو صورت طبیعی «نسوخته» و سوخته «غیرطبیعی» و دیگری کود شیمیائی. تهیه کود سوخته چنین است که تاپاله خشک را در زمستان برای سوخت مصرف می کنند و خاکستر آن را انبار کرده در کشت چغندر به عنوان کود بمصرف می رسانند. کود شیمیائی بیشتر از نوع فسفات و اوره است که فسفات را پیش از بذریابی یعنی در هنگام جفت کردن زمین مصرف می کنند و اوره را پس از سبز شدن گیاه در مزرعه می پاشند. در هر هکتار زمین چغندر کاری در حدود ۴۰ کیلو گرم کود شیمیائی مصرف می شود. این گیاه آفت پذیر و عمده آفت آن (کرم سبز رنگ) است. با این آفت به شدت مبارزه می شود و بهمین مناسبت کارخانه های قند که طرف قرارداد دهقانان چغندر کار هستند سم مجانی در اختیارشان می گذارند. پیدایش و توسعه کشت چغندر در این ناحیه بیشتر بر اثر تشویق مالکین سابق و تحت تأثیر کارخانه های قند کرمانشاه «بیستون» و شاه آباد بوده است و به خصوص کارخانه قند بیستون که نزدیک ترین بازار پذیرش این کالای کشاورزی است عامل مؤثر می باشد. کارخانه قند بیستون بر سر راه کرمانشاه و کنگاور با مزارع چغندر کاری کنگاور فاصله چندانی ندارد و اصولاً بازار خرید مزارع دور ویر خود می باشد. برای

جدول حمل چغندر
بر نامه حمل چغندر سال ۱۳۵۰ کارخانه قند کرمانشاه (بیستون)

نیمه اول دی	نیمه دوم آذر	نیمه اول آذر	نیمه دوم آبان	نیمه اول آبان	نیمه دوم مهر	نیمه اول مهر	شهر یورماه	پیش بینی محصول به تن	نام ناحیه	ردیف
—	—	۱۶۸۷	۳۵۹۷	۳۲۱۵	۲۷۸۵	۲۸۴۹	—	۱۴۱۳۳	میان دریند	۱
—	—	—	—	۳۴۰	۲۱۱۷	۵۲۶	۶۵	۳۰۴۸	روانسر	۲
۳۵۰۰	۷۷۸۶	۶۱۸۲	۴۱۴۰	۱۱۲۷	—	۵۰۰	۷۱۴	۲۳۹۵۹	دور و فراسان و هرسین	۳
۸۰۵۲	۱۶۸۴۵	۵۱۶۱۷	۱۹۷۴۵	۱۷۲۶۷	۳۳۸۱	۶۷۴۲	۱۶۵۱	۹۳۸۰۰	چمال و صحنه	۴
۱۵۳۸	۴۷۰۶	۹۸۳۷	۷۹۸۷	۵۹۵۲	۲۸۵۰	۱۰۰	۱۷۲۳	۳۴۶۹۳	دینور	۵
—	—	—	—	۲۰۰	۱۵۵۴	۱۷۵۶	—	۳۵۱۰	سنقر	۶
—	—	۴۶۳۱	۱۱۱۳۵	۱۳۲۱۳	۱۴۰۷۳	۴۶۵۳	۳۱۵۵	۵۰۸۵۹	کنگاور	۷
—	—	—	—	—	۹۱۴	۱۶۲۶	۱۲۶۶	۳۸۰۷	خزل و توپسرکان	۸
—	—	—	—	—	۲۹۷۶	۳۲۱۱	۳۸۲۷	۱۰۰۱۴	اسدآباد	۹
۱۳۰۹۰	۲۹۳۳۷	۳۷۹۵۴	۴۶۶۰۴	۴۱۳۲۴	۳۰۶۵۰	۲۱۹۶۳	۱۶۹۰۱	۲۳۷۸۲۳	جمع کل	

مثال بموجب گزارش رسمی کارخانه قند بیستون در سال ۵۰ میزان محصولی که می‌بایست در این سال از مزارع کنگاور به کارخانه حمل گردد حدود ۸۵۹۰۰ تن پیش‌بینی شده بود. با مراجعه به جدول حمل چغندر به کارخانه قند بیستون در سال ۵۰ چگونگی میزان محصول و مدت حمل چغندر از کنگاور به کارخانه روشن می‌گردد.

تقریباً تمام کشت چغندر ناحیه کنگاور بموجب قراردادی که بین شرکت سهامی کارخانه قند کرمانشاهان و زارعان منعقد گردیده بوجود آمده است. برای بررسی این کشت نکاتی از پیمان‌نامه بین زارع و کارخانه قند بیستون (کرمانشاه) را یادآور می‌شویم. بموجب این پیمان‌نامه زارع پیمانکار متعهد میشود که وسعت معینی از اراضی، مزروعی خود را به کشت چغندر اختصاص دهد مشروط بر آن که زارع بذری را که از طرف شرکت تحویل میشود به‌زینه خود کشت نماید و کلیه محصول آنرا در خلال مدت بهره‌برداری همان سال طبق برنامه‌ای که توسط کارخانه قند کرمانشاه (بیستون) تعیین می‌شود شخصاً یا توسط نماینده خود به کارخانه حمل نماید و تحویل دهد. تهیه وسیله حمل چغندر بعهده پیمانکار است و لسی در عین حال با تشخیص کارخانه ممکن است چغندر را خود کارخانه حمل کند و کرایه‌زا به حساب بدهی پیمانکار بگذارد. در این مورد زارع موظف است که تمام دستورات کارخانه را از جهت جمع‌آوری و سیلو کردن و بارگیری چغندر اجرا نماید و کارخانه تعهد و مسئولیتی نسبت به فساد و خساراتی که در نتیجه ماندن محصول به چغندر کار متوجه شود نخواهد داشت. کارخانه قند در ازاء این تعهدات کمکهای ذیل را به زارع می‌کند:

الف - برای هر هکتار ۱۸ کیلو بذر مجانی میدهد.

ب - برای هر هکتار ۶۰۰۰ ریال مساعده نقدی در چهار قسط می‌پردازد:

پس از کشت و سبز شدن بمنظور وجین اول هر هکتار کشت سبز موجود ۱۰۰۰ ریال،
موقع وجین دوم برای هر هکتار کشت سبز موجود ۱۰۰۰ ریال، موقع وجین سوم برای

هرهکتار کشت سبز موجود ۱۰۰۰ ریال، موقع کندن و شروع به حمل برای هرهکتار کشت سبز موجود ۱۰۰۰ ریال.

ج - برای هرهکتار ۵۰ کیلو کود شیمیائی «به قرار کیلوئی» ۸ ریال در سال ۱۳۵۰ به زارع می‌دهد.

د - ۷ لیتر سم مجانی برای هرهکتار یا وسایل سم پاشی در اختیار دهقان چغندر کار می‌گذارد.

زارع نیز برای تحویل چغندر به کارخانه قند تعهداتی دارد:

الف - کلیه چغندر مورد پیمان را باید سالم و پاک شده بدون گل و برگ و ساقه (یا طوقه) تحویل نماید و ملاک تحویل، توزین قبان کارخانه است و اگر چغندر آلوده به گل و دارای ساقه و برگ باشد کارخانه حق دارد در ازاء آن افت حساب کند.

ب - اگر وزن هر چغندر از ۱۰۰ گرم کمتر باشد کارخانه قبول نخواهد کرد.

ج - در صورتی که چغندر تحویلی به تشخیص کارخانه قند فاسد و یا از ریشه دوساله باشد و یا گل و خالک آن بیش از حد متعارف یا دارای طوقه سبز باشد کارخانه می‌تواند از قبول آن خودداری کند و حتی از زارع خسارت بگیرد.

از نظر چگونگی کشت و نظارت بر آن نیز کارخانه قند بیستون امتیازاتی دارد از قبیل:

اعمال دستورهای فنی در مورد شیار - طرز کشت - وجین - تنک کردن - آبیاری - دفع آفات - کندن چغندر از زمین - سیلو کردن - جلوگیری از سرچرانییدن چغندر چون چیدن برگ و چرانییدن سربرگ چغندر قبل از برداشت، باعث نقصان کلی محصول و کمبود میزان قند در چغندر شده زیان آن متوجه کارخانه می‌شود. کارخانه در صورت مشاهده چنین عملی تنی یکصد ریال بابت تأمین خسارت کارخانه از بهای چغندر تحویلی کسر می‌نماید.

برابر رسیدگی دقیق، وضع توزیع مزارع چغندر قند در کنگاور در سال ۱۳۵۰

بدین صورت بوده است:

دهستان فش :

نام ده	سطح پیمان به هکتار	سطح سبز به هکتار
شش یکان	۱۲	۹
دم بادام	۲۷	۲۵/۷۵
خرم آباد	۱۳/۵	۹/۲۵
فشخواران	۵۵/۵	۴۶
فش	۹۸/۷۵	۶۷
رحمان آباد	۲۳/۷۵	۱۸/۵۰
جمع شش روستا	۲۳۰/۵۰	۱۷۵/۵۰

دهستان گودین :

نام ده	سطح پیمان به هکتار	سطح سبز به هکتار
خمیس آباد	۲۳۷	۱۵۰/۷۵
شورچه	۶۵/۵	۵۷/۲۵
گودین	۹۲/۵	۴۹/۵۰
چشمه نوش	۵	۴/۵
ده بالا	۹	۹
علی آباد پل	۲	۱/۲۵
حسین آباد	۳۱	۲۹/۲۵
کوچه	۹۸	۶۹/۷۵
طاهر آباد	۱۴۴	۹۴/۷۵
جمع نه روستا	۶۸۴	۴۶۶/۵۰

دهستان قروینه :

نام ده	سطح پیمان به هکتار	سطح سبز به هکتار
اکبرآباد	۲۱	۱۳/۲۵
نهرالدوله	۲۴/۲۵	۱۲/۲۵
محمدآباد	۲	۱
دهنو	۱۸	۲۱/۵
جمع چهار روستا	۶۵/۲۵	۴۸/

دهستان سلطانآباد :

نام ده	سطح پیمان به هکتار	سطح سبز به هکتار
رستمآباد	۶۲/۵	۳۱/۲۵
عباسآباد	۷۱/۵	۶۵/۲۵
سلطانآباد	۲۰	۱۴
علیآباد	۱۴۶	۹۱/۵
کارخانه	۷۸/۵	۲۰/۷۵
قارلق	۳۵۰/۵	۲۲۷/۵۰
فیروزآباد کوچک	۱۱۸	۸۸/۵۰
فیروزآباد بزرگ (تپه)	۱۵۱	۱۱۳
قورهچیل	۱۳/۵	۱۴/۲۵
خلیلآباد	۲۸	۳۰
حمزهآباد	۱۰	۷
کرماجان	۱۱۳/۷۵	۹۳
جمع دوازده روستا	۱۱۶۳/۲۵	۷۹۶/۰۰
مرکز بخش کنگاور	۷۶/۷۵	۶۴/۵
جمع چهاردهستان و مرکز بخش	۲۲۱۹/۷۵ هکتار	۱۵۵۰ هکتار ^۱

۱ - اگر بنا باشد به این نسبت سطح کشت سبز از سطح پیمان کمتر گردد باید متوجه نقصان محصول قند و شکر بود مگر قبلا حساب افت سطح کشت را داشته باشند.

با توجه به آنارزاده شده حداقل مزارع چغندر در دهستان قزوینه و حداکثر آن در سلطان آباد قرار دارد، مقام دوم از آن دهستان گودین است و دهستان فش در درجه سوم می باشد. از آنجا که کشت چغندر، کشت آبی است از ۱۲۷۲۶ هکتار اراضی آبی کنگاور در سال مورد مطالعه فقط ۱۵۵۰ هکتار زیر کشت سبز چغندر قرار داشته است و بدین ترتیب مجموع مساحت زیر کشت غلات و چغندر قند بالغ بر ۹۷۱۵ هکتار می شود، به عبارت دیگر در حدود ۷۷٪ از مساحت اراضی کشاورزی آبی کنگاور به کشت گندم و چغندر قند اختصاص یافته است. سطح چغندرکاری در این سال تقریباً ۱۲٪ سطح کل اراضی مزروعی آبی بوده است.

از طرفی مشاهده می شود که از ۲۲۱۹/۷۵ هکتار سطح پیمان کشت چغندر قند فقط ۱۵۵۰ هکتار زیر کشت سبز بوده است. در واقع دهقانان یا پیمانکاران کشت چغندر قند فقط به ۷۰٪ پیمان خود عمل کرده اند یا به حساب دیگر ۳۰٪ از وسعت کشت چغندر خود کاسته اند، علت چیست؟

برای اطلاع از علت افت سطح کشت چغندر بدنیست به هزینه و درآمد بعضی از کشت های متداول در این ناحیه در اراضی دشتی و با شرایط متوسط و متعادل توجه کنیم:

چغندر کاری :

هزینه یک هکتار

بهای بذور	مجبانی
هزینه دوشخم (تراکتور - گاوآهن)	ریال ۱۰۰۰
ارزش کار و جین در مدت کشت	« ۶۰۰۰
خرید کود شیمیائی	« ۳۶۰۰
بهای آبیاری	« ۲۰۰۰۰
کندن و پاک کردن و بار کردن محصول	« ۳۵۰۰
هزینه حمل (۲۲ تن)	« ۴۰۰۰۰
جمع هزینه	ریال ۲۰۱۰۰

از آنجا که کاروجین را خانواده زارع انجام میدهد و آبیاری و کندن هم بوسیله افراد خانواده او انجام می گیرد، در حدود ۹۰۰۰ ریال از ۳۰۰۰ ریال باز به خود زارع برمی گردد. با توجه به فروش چغندر از قرار تنی ۱۱۰۰ ریال و با رعایت متوسط محصول ۲۲ تن در هکتار بهای چغندر و یا میزان تولید ۲۴۰۰ ریال می شود که بهره خالص آن برای کشاورز معادل است با ۱۳۶۰۰ ریال.

شبدر :

شبدر هزینه شخم ندارد و در هر هکتار بطور متوسط ۲۱۰۰ کیلو بذر افشاندن می شود. در یک سال در حدود ۶۰۰۰ کیلو برداشت می شود که با توجه به قیمت متوسط فروش هر ۳۰۰ کیلو ۸۰۰ ریال بهای فروش محصول بالغ بر ۱۶۰۰۰ ریال می گردد. در این کشت زارع فقط در حدود ۹۰۰ ریال بابت بهای بذر می پردازد و در مجموع درآمد او از یک هکتار کشت شبدر ۱۵۱۰۰ ریال می شود.

گندم آبی :

هزینه یک هکتار

شخم و دیسک با تراکتور و شخم گاواهن (بذرپاشی)	۱۰۰۰ ریال
بهای ۲۱۰ کیلو بذر	« ۱۵۰۰
آبیاری و درو	« ۲۰۰۰
کوبیدن و یاد دادن	« ۱۰۰۰
جمع هزینه	۵۵۰۰ ریال

گرچه در مقابل هر تخم ۶ تا ۱۶ تخم حاصل برداشت می شود ولی سادراین نوع محاسبه متوسط را (۱۱ تخم) می گیریم از این قرار مقدار حاصل گندم در هکتار ۲۳۱۰ کیلو خواهد بود. بهای متوسط هر ۳۰۰ کیلو نیز ۲۰۰۰ ریال محاسبه می شود.

بهای ۲۳۱۰ کیلو گندم	۱۵۴۰۰ ریال
بهای متوسط کاه	« ۳۱۰۰
جمع	۱۸۵۰۰ ریال

که پس از کسر ۵۵۰۰ ریال هزینه های مربوط، درآمد خالص زارع در هکتار ۱۳۰۰۰ ریال می شود.

یونجه :

هزینه یک هکتار

۹۰ کیلو بذر	۹۰۰۰ ریال
شخم	« ۱۰۰۰

جمع هزینه ۱۰۰۰۰ ریال

یونجه معمولاً تا ۷ سال محصول می دهد و درآمدی است مستمر. حاصل سال اول آن در حدود ۴۸۰۰ کیلو است که از قرار هر ۳۰۰ کیلو ۱۰۰۰ ریال فروش سال اول معادل است با ۱۶۰۰۰ ریال که پس از کسر هزینه، درآمد سال اول آن حدود شش هزار ریال می شود ولی از سال بعد هر سال ۱۶۰۰۰ ریال فروش دارد و متوسط درآمد آن در مدت بهره برداری حدود ۱۲۰۰۰ ریال می شود.

پس با این محاسبات تخمینی نزدیک به یقین و در صورت عدم تغییر معادلات، محاسبه درآمد حاصل از چهار نوع کشت نامبرده در سال عبارتند از :

نوع محصول	درآمد یک هکتار
چغندر قند	۱۳۶۰۰ ریال
شبدر	« ۱۵۱۰۰
گندم آبی	« ۱۳۰۰۰
یونجه	« ۱۲۰۰۰

از این محاسبات چنین نتیجه می‌شود که در دهات آب‌دار شبدر و چغندر قند پردرآمدترین محصول است ولی کشت شبدر با توجه به میزان زیاد آب مصرفی در سالهای کم آب به صرفه نیست و گذشته از این بازار فروش داغی مانند گندم آبی ندارد و زحمت آن هم از گندم کاری بیشتر است و بهمین جهت کشاورزان به این کشت توجه ندارند. از طرفی با آن که تقریباً درآمد چغندر کاری و گندم کاری نزدیک به هم است، زارع کشت گندم را به کشت چغندر قند ترجیح می‌دهد زیرا کشت چغندر با زحمت زیاد همراه بوده تمام وقت خانواده زارع را می‌گیرد بعلاوه زارع عادت دارد آذوقه خود را که عمده آن گندم است شخصاً از زمین مزروعی خویش فراهم کند و تقریباً عادت و سنت او را وادار به کشت گندم می‌کند. گذشته از اینها برداشت چغندر قند برای دهقان کنگاوری مشکلاتی دارد که بخاطر آن باطیب خاطر به زراعت چغندر قند نمی‌پردازد و آن مشکلات عبارتست از:

- الف - کشت چغندر قند از زمان مالکیت‌های بزرگ (قبل از اصلاحات ارضی) به کشاورزان تحمیل شده است.
- ب - دفعات زیاد وجین چغندر قند و آبیاری و کار زیاد آن در مقابل بهره حاصل ناچیز است.
- ج - پس از کشت و برداشت، چغندر بدست آمده عموماً از یک تا دو ماه در مزرعه باقی می‌ماند تا در موعد مقرر با کامیون به کارخانه حمل و تحویل گردد و در نتیجه تا ۲۰٪ از وزن چغندر کم می‌شود.
- د - عموماً در کارخانه مقدار قابل توجهی به علل خاک داشتن چغندر افت وزنی محسوب می‌کنند که این افت از ۴ تا ۲۰ درصد متغیر است و در هر صورت به ضرر کشاورزان تمام می‌شود.
- ه - کشت مداوم چغندر قند موجب تضعیف حاصلخیزی خاک مزارع می‌گردد.

و- معمولاً اراضی گندم کار سابق به کشت چغندر اختصاص یافته است و در نتیجه از میزان تولید کاه مورد نیاز مصرف دام دهقانان برای فصل سرد طولانی محل کاسته شده و قیمت کاه در زمستان تا ۵۰٪ بهای گندم می رسد.

با این وجود عواملی هست که موجب ترغیب و تشویق چغندر کاری میگردد:
الف- در آراء کشت چغندر قند از جانب کارخانه قند ذینفع به زارع مساعده داده می شود.

ب- سم مجانی به زارع داده می شود.

ج- برگ چغندر مدتی خوراک دام کشاورز را فراهم می کند.

د- آب کافی و زمین مناسب در دهات آبدار و مساعده، روستائی را به چند کشتی هدایت می کند.

اگر کارخانه قند بتواند ترتیبی دهد که در حمل چغندر قند به کارخانه تسریع گردد و وسیلوی پر ظرفیتی در کارخانه بوجود آورد و سایر مشکلاتی را نیز که تلویحاً به آنها اشاره شد حل کند مسلماً کشت چغندر به عنوان یک کشت مطمئن نه تنها جای خود را حفظ خواهد کرد بلکه توسعه هم خواهد یافت و اگر نظارت کنند تا اراضی خاص با اسلوب علمی و با مطالعه قبلی فقط به کشت چغندر اختصاص یابد میزان محصول در هکتار تا ۴ تن هم می تواند برسد و محصول بهتری هم عرضه خواهد شد.

در سال ۱۳۵۱ بزابر آمار کارخانه قند کرمانشاه (بیستون) سطح کشت مورد پیمان در بخش کنگاور و تعداد دهقانان پیمانکار و مبلغ مساعده پیش پرداخت به آنان به شرح جدول زیر بوده است:

دهستان سلطان آباد :

نام ده	تعداد کشاورزان	سطح زیر کشت به هکتار	مبلغ پیش پرداخت به ریال
کرماجان	۷۱	۱۱۳/۷۵	۹۰۲۲۹۰
خلیل آباد	۲۴	۲۸	۲۴۸۹۴۲
رستم آباد	۱۱	۶۲/۵	۱۷۴۰۰۰
قوره چیل	۱۲	۱۳/۵	۱۲۶۸۰۰
عباس آباد	۳۵	۷۱/۵	۶۷۸۷۲۰
سلطان آباد	۶	۳۰	۱۱۱۷۵۰
علی آباد	۴۱	۱۴۶	۱۱۱۳۱۹۰
کارخانه	۲۰	۸۰/۵۰	۴۲۶۵۷۰
قارلق	۸۵	۳۵۰/۵۰	۱۸۹۷۵۹۸
فیروز آباد کوچک	۲۹	۱۱۸	۵۸۶۴۲۰
فیروز آباد بزرگ	۴۳	۱۴۵	۹۸۵۳۶۰
حمزه آباد	۱۱	۹/۵	۵۳۱۰۰
سریوه	۱	۲	۱۱۸۵۰
جمع ۱۳ روستا	۳۸۹ نفر	۱۱۶۰/۷۵	۷۳۱۶۶۴۵

دهستان گودین :

نام ده	تعداد کشاورزان	سطح زیر کشت به هکتار	مبلغ پیش پرداخت به ریال
چشمه نوش	۱	۵	۷۴۴۶۰
ده بالا	۵	۹	۱۸۵۲۸۰
علی آباد پل	۲	۲	.
خلیل آباد	۲۲	۳۰/۵	۲۷۴۳۰۰
شورچه	۲۴	۶۵/۵	۴۲۵۲۰۰
خلیل آباد	۶۶	۲۳۷	۱۵۶۲۵۴۰
کوچه	۴۰	۹۸	۸۹۱۹۶۰
طاهر آباد	۴۴	۱۴۴	۱۱۰۷۹۵۹
گودین	۵۲	۹۲/۵	۵۱۷۱۹۰
جمع ۹ روستا	۲۵۶ نفر	۶۸۳/۵	۵۰۳۸۸۸۹

دهستان فش :

نام ده	تعداد کشاورزان	سطح زیر کشت به هکتار	مبلغ پیش پرداخت به ریال
فش	۱۲۵	۹۸/۵	۵۷۴۷۵۰
فشخواران	۶۷	۵۵/۵	۴۵۲۷۰۰
خرم آباد	۱۵	۱۳/۵	۷۹۴۰۰
دمبادام	۲۲	۲۷	۱۵۶۴۰۰
نهرالدوله	۲۶	۲۴/۲۵	۱۵۶۱۰۰
شش یکان	۱۰	۱۲	۸۶۷۵۰
رحمان آباد	۳۱	۲۳/۷۵	۱۹۲۲۵۰
حسن آباد	۲۶	۱۷/۵۰	۹۷۲۵۰
جمع ۸ روستا	۳۲۲ نفر	۲۷۲/۰۰	۱۷۹۵۶۰۰

دهستان قزوینه :

نام ده	تعداد کشاورزان چغندرکار	سطح زیر کشت به هکتار	مبلغ پیش پرداخت به ریال
اکبرآباد	۱۴	۲۱	۱۳۷۵۸۰
محمدآباد	۲	۲	۱۰۸۵۰
دهنو	۱۳	۱۸	۱۵۷۴۵۰
جمع ۳ روستا	۲۹ نفر	۴۱	۳۰۵۸۸۰
مرکز بخش	۱۰۲	۱۳۴	۶۹۷۰۱۰
جمع کل ناحیه کنگاور	۱۹۰۸	۲۲۹۱/۲۵	۱۵۱۵۴۰۲۴

کشت و برداشت خشخاش :

موقع کشت خشخاش اواسط مهرماه است و در اواسط خرداد ماه تیغ زدن آن شروع می شود و ده روز پس از اولین تیغ، برداشت حاصل شروع می گردد. تعیین محل کشت خشخاش و اداره امور آن با اداره تعاون روستائی است و سعی می شود که بهترین نوع زمین برای کشت خشخاش انتخاب شود و کلیه زارعینی که عضو شرکت تعاونی هستند در کاشت خشخاش و درآمد آن می توانند سهم باشند. سود و بهره کشت بر حسب جفت حساب می شود یعنی سهم زارعین به نسبت زمین مورد کشت محاسبه می گردد و به طور کلی میزان متوسط محصول در شرایط عادی هر هکتار حدود ۲ کیلو گرم تریاک است. تریاکهای حاصله برابر نرخ معین از جانب اداره تعاون روستائی محاسبه می شود و زارع موظف است کلیه محصول را به این اداره تحویل نماید. در هنگام برداشت نمایندگان اداره تعاون روستائی با همکاری سپاهیان مختلف کار برداشت را به اتمام میرسانند. در سال کشاورزی مورد مطالعه وضع توزیع و مساحت اراضی زیر کشت خشخاش بدین شرح بوده است:

دهستان سلطان آباد :

هکتار	نام ده
۱۵	سلطان آباد
۵	کریم آباد
۵	قوره چیل
۵	کندی کیله
۱۰	خلیل آباد
۵	محمد آباد
۵	رستم آباد
۱۰	قازلق
۱۰	علی آباد
۱۲	کارخانه
۸	فیروز آباد کوچک
۱۰	فیروز آباد بزرگ
۵	حمزه آباد
۱۲	عباس آباد
۱۱۷	جمع ۱۴ روستا

دهستان فش :

هكتار	نام ده
۱۰	گردكانه
۱۰	خرم آباد
۵	شش يكان
۸	آب باريك
۸	رشتيان
۴۱	جمع ۵ روستا

دهستان گودين :

هكتار	نام ده
۱۵	گودين
۱۰	كوچه
۱۰	شورچه
۱۰	خميس آباد
۶	گلياران
۵	سهم الدين
۱۰	چشمه نوش
۱۰	رحمت آباد
۷۶	جمع ۸ روستا

دهستان قزوینه :

نام ده	هکتار
نهرالدوله	۸
اکبرآباد	۵
۲ روستا	۱۳
جمع کل	۲۴۷ هکتار

بقیه اراضی آبی یعنی در حدود ۲۷۶۴ هکتار از مزارع آبی یاد در حدود ۲۲٪ کل مزارع آبی به کشت گشنیز بمنظور بهره برداری از فروش تخم گشنیز، صیفی، حبوبات، شبدر، یونجه اختصاص داشته است که هر قدر دهات دامنه ای و کوهستانی باشند با توجه به مصرف دام خود به کشت شبدر و یونجه توجه بیشتر دارند و در دهات دشتی گشنیز، صیفی، حبوبات رقم عمده را تشکیل می دهند.

شبدر هم زمان با کشت گندم کشت می گردد ولی زودتر از آن به ثمر میرسد، چنانکه از اواخر اردی بهشت ماه چین اول آن آغاز می شود و در حدود پانزدهم تیر ماه چین دوم و در حدود یکماه بعد چین سوم انجام می شود و پس از آن معمولاً گندم بجایش کشت می شود. یونجه در آخر فروردین ماه کشت شده چین اول آن در ۱۵ تیر و چین دوم آن در ۱۰ مرداد و چین سوم یکماه بعد بعمل می آید. عدس و گاودانه (غذای مخصوص گاو) را از اوایل اسفندماه تا اواسط فروردین می کارند و در اوایل تابستان برداشت می کنند. لویار در ۲ خرداد می کارند و در اوایل پائیز حاصل برمی دارند صیفی از ۱۰ اردی بهشت کشت می شود و از اوایل مرداد بهره می دهد. باغداری میوه در محل معمول نیست و درختان میوه موجود در باغها نمی تواند حاکی از حرفه کشاورزی باغداری باشد ولی درختان چوبی را به منظور خاص بهره برداری اقتصادی در محل جهت مصارف خانه سازی و ابزار سازی می کارند. وسعت کلیه باغهای این ناحیه تخمیناً در حدود ۳۰۰ هکتار است.

تهیه کود حیوانی و سوخت:

کود حیوانی از سوخت تاپاله تهیه می‌شود. برای ساختن تاپاله فضله گاو و گوسفند را از کف زاغه و طویله جمع‌آوری کرده در فضای بازی می‌ریزند. در روستا برای تهیه تاپاله سعی و کوششی بسیار می‌شود بحدی که بچه‌های کوچک را برای جمع‌آوری فضله گاو و گوسفند به اطراف ده می‌فرستند. این بچه‌ها ظروف مخصوصی همراه دارند و رقابت جدی آنان بایکدیگر برای جمع‌آوری فضله سرآغاز نبرد زندگی برای آنان می‌باشد. بچه‌ها فضله‌ها را به محل مخصوص جمع‌آوری می‌آورند و در آنجا انبار می‌کنند. پس از آن که مقدار فضله جمع‌آوری شده بحد کافی وقابل ملاحظه‌ای رسید صاحب فضله‌های جمع‌آوری شده بایکی از زنان یا دختران ده قرار داد تاپاله‌سازی منعقد می‌کند و عموماً دختران و زنان جوان به این کار می‌پردازند و در مقابل حدود یک سوم از تاپاله‌های ساخته شده مزد آنان می‌باشد. پیمان کار ممکنست از زنان و دختران خانواده خود استفاده کند و یا زنان خانواده روستائی خود برای خانواده خویش تاپاله بسازند.

برای ساختن تاپاله ابتدا فضله‌ها را خوب درهم مخلوط کرده برآنها آب می‌پاشند. وقتی فضله‌ها خوب خیس خورد آنرا لگدمال می‌کنند تا بصورت خمیر درآید. پس از آن که خمیر کاملاً مثل گل بهم آمد مقداری از آن را بادست برداشته چونه می‌سازند. سپس چونه را به شکل بیضی پهن کرده در مقابل آفتاب قرار می‌دهند تا خشک شود. برای احتراز از اختلاط با خاک و یا چسبیدن خاشاک تاپاله‌ها را روی زمین سفت و یا سنگ پهن می‌کنند. قطر بلند هر قرص تاپاله در حدود سی سانتیمتر است. پس از خشک شدن در صورتی که وقت داشته باشند تاپاله‌ها را بازنبه به اطاق تاپاله‌دان می‌برند و انبار می‌کنند و اگر فرصت نباشد آنها را در وسط حیاط و یا در میدانی نزدیک رویهم قرار می‌دهند تا هر موقع فراغت یافتند به تاپاله دان ببرند. اگر وقت نداشته باشند و مجبور گردند تاپاله‌ها را مدتی در فضای باز

نگهدارند آنها را رویهم می‌چینند و با چند تاپاله خشک نشده تعدادی از تاپاله‌های کناری را بهم چسبانده و با وضعی خاص علامت گذاری می‌کنند (مهر می‌کنند) تا کسی به آنها دستبرد نزند.

تاپاله نزد روستائیان این ناحیه بسیار عزیز است زیرا سوخت عمده را بخصوص در فصل زمستان تشکیل می‌دهد. روستائی با آتش آن نان می‌پزد، غذای گرم مہیامی کند، در لبنیات سازی به آتش آن نیازمند است خود و خانواده‌اش را گرم می‌کند می‌کند و دست آخر هم خاکسترش را انبار کرده به صورت کود به اراضی مزروعی می‌دهد. این سوختی است ارزان و بی‌دردسر، بهمین جهت حتی در جاهائی هم که سوخت نفت فراهم است از تاپاله به عنوان سوختی مفید و بی‌خرج استفاده می‌کنند و حتی رونق دامداری جنبی و در کنار مزارع کشاورزی تاحدی بخاطر تهیه و تأمین چنین سوخت مطمئنی است.

باید اضافه کرد که زارع کنگاور امروزه به مصرف این کود طبیعی اکتفا نمی‌کند و در بسیاری از دهات بهره‌برداری از انواع کود شیمیائی متداول است.

دامداری :

هدف از دامداری در اکثر روستاهای کنگاور جز در یکی دو روستای دام‌پرور که معیشت کلی اقتصاد روستائی مردم آن بیشتر براساس دامداری است عبارتند از :

- ۱ - تهیه سوخت زمستان، زیرا در غیر این صورت هزینه تأمین سوخت از سایر منابع انرژی (نفت) بقدری زیاد است که به خانواده زارع فشار مالی وارد می‌کند. این تنها راه آسان و کم‌خرج و مفید تأمین گرما در فصل سرد و نسبة طولانی «از اوایل آذر تا اواخر فروردین» کنگاور است.

۲ - کود حیوانی مورد مصرف مزارع خانواده روستائی است

۳ - تهیه فرآورده‌های لبنی که خود بهترین خورش خانواده دهقان است.

در اینجا اگر خانواده‌ای مواد لبنی و گندم داشته باشد زنده‌است و اگر دام داشته باشد زندگانی می‌کند.

۴ - وجود دام سبب اعتبار و اهمیت اقتصادی خانواده بوده از نظر اجتماعی هم مهم می‌باشد. اگر زارع چند دام داشته باشد هرگاه که نیازمند شد با فروش چند رأس آنها مشکلات مالی خود را حل می‌کند و می‌تواند بعد با پرورش دام بیشتر، جبران مافات را بنماید. از این روزار دام‌دار همیشه به اعتبار خود متکی است و حتی روستائیان دیگر هم می‌توانند به وی اتکاء داشته باشند.

۵ - چون در حدود ۳۰٪ خانوار هر ده خوش‌نشین می‌باشند یعنی صاحب زمین زراعی و نسق نیستند به دامداری کشانده می‌شوند و ضمن انجام مشاغل مختلف به کار تربیت و نگهداری دام می‌پردازند و چون عده خوش‌نشینان رقم قابل ملاحظه‌ای است بنابراین در هر روستا تعدادی گاو و گوسفند وبز وجود پیدا می‌کند. دامداری هدف اقتصادی و وسیله ادامه زندگی خوش‌نشینان است.

تغذیه دام در ده‌هاست مختلف و در تمام فصول یکسان نیست، جزده عبدالتاج‌دین که در دامنه کوه (عمروله)^۱ مراتع فراوان دارد، در بقیه روستاها غذای فصل بهار و قسمتی از تابستان دام‌های ده از گیاهان اراضی (جاری) کاهبن، برگ چغندر، و در بقیه ایام سال از یونجه، شبدر، کاه، کنگر، گاودانه و خلاصه علوفه خشک و غذای دستی است. بطور کلی در سراسر ناحیه از اواسط آذرماه تا اواسط فروردین کلیه دامها دستی تغذیه می‌گردند و در آغل (زاغه) بسر می‌برند. وسعت مراتع ده عبدالتاج‌دین که ناحیه‌ای است کوهستانی در حدود ۳۰۰ هکتار می‌باشد که در زمان مطالعه (تابستان ۱۳۵۱) بیش از نیمی از وسعت این مراتع مورد استفاده کوچ‌نشینان دامدار (ایلات ایلام پشتکوه) بود و چندیین خانوار از ایلات کرد در این مراتع مستقر بودند. تعداد گوسفندان روستائیان ده

۱ - امروله

۱- دیم‌زاری که آزاد رها شده است (آیش).

عبدالواجدین در حدود ۴۰۰ رأس بودولی در این مراتع بیش از ده هزار گوسفند بچرا مشغول بودند زیرا گذشته از گوسفند دهقانان، دو هزار رأس گوسفند مالک سابق ده و ۳۰۰ رأس گوسفند ایلات کوچ نشین نیز از همین مراتع استفاده میکردند. آن طور که روستائیان می گفتند ایلات پشتکوه پس از اصلاحات ارضی آزادانه به این مراتع وارد شده اند و تا قبل از این تاریخ مالک ده از ایشان ممانعت بعمل می آورده است.

ایلات پشتکوه از اوایل خرداد تا اوایل شهریور در این مراتع میمانند و از اواسط شهریور به سوی نواحی پست که گرم تر است کوچ می کنند. مسیر آنان از طریق کنگاور و صحنه می باشد. در این قسمت اراضی (جار) را به اجاره می گیرند و بتدریج بحرکت ادامه می دهند و در اواسط پائیز به محل گرمسیر خود در ایلام میرسند.

معمولاً خوش نشینان در کار دامداری موفق ترند زیرا گرفتاری کشت و زرع ندارند و هم با فراغت بیشتر علف خشک و تر صحرای و علفزارها را بریده به روستا آورده انبار می کنند و رویهمرفته تمام همت و قسمت عمده وقت خود را صرف دامداری مینمایند و چون علوفه بیشتری ذخیره نموده اند بهتر می توانند به پروار کردن دام بپردازند.

بموجب بررسی که بعمل آمد تخمیناً در کل ناحیه کنگاور در حدود یک و نیم ده هزار رأس گاوشیرده و گوساله، سه هزار و پانصد رأس گاو کار و پنجاه و پنج هزار گوسفند و بز و بره وجود دارد.

با محاسباتی که در چند روستا بعمل آمد متوسط درآمد یک گوسفند در سال پس از وضع کلیه مخارج و باتوجه به مرگ و میر تقریبی ۸۰۰ ریال و متوسط درآمد یک گاو ۶۰۰۰ ریال می باشد که خود رقم قابل توجهی است و اگر خوش نشینان روستاها از نظر دامداری مورد هدایت علمی و حمایت مالی قرار گیرند بر سطح درآمد

عمومی روستاها و برمیزان تولید گوشت مورد نیاز کشور افزوده خواهد شد زیرا در حال حاضر با آنکه بسیاری از اراضی مجاور دهات (دامنه‌ها) زیر کشت دیم گرفته شده معه‌ذا تقریباً ۴۰٪ به تعداد کل دام منطقه افزوده شده است و این خود نشان می‌دهد که بمناسبت درآمد مطمئن دامداری توجه به تربیت گوسفند و نیز تا حدی گاو داری زیاد است و اگر خوش‌نشینان گله‌دار مورد حمایت اقتصادی قرار گیرند به علت عدم علاقه به زمین مسلماً پیشقراولان کوشای مهاجرت به شهرهای دور و نزدیک خواهند بود. اصولاً حمایت علمی و اجتماعی و اقتصادی از زارع و تغییر و ترمیم محیط زیست او بیش از آنچه هست باید مورد توجه باشد تا بتوان از شدت مهاجرت روستائیان به شهر کاست و تولید کننده به مصرف کننده تبدیل نگردد.

محصولات دامی قابل فروش عبارتند از روغن، کره، پنیر، دوغ، کشک، پشم و پوست. بازار کره و روغن و کشک روستاها شهر کنگاور است که اغلب با مواد نظیر قند و چای و پارچه و سایر ضروریات زارع مبادله می‌شود. فروش نقد هم معمول است و دوغ و پنیر (پنیر پوستی) را خود مصرف می‌کنند. معمولاً در بهار شیر را که کم‌چربی است به پنیر تبدیل می‌کنند و در تابستان از شیر غلیظ‌تر و پرچربی تر کره درست می‌کنند. اگر به پول نیازمند نباشند کشک را دیرتر می‌فروشند ولی فروش کره روزانه است و روستائی خود روغن نباتی مصرف می‌کند. روستائیان با آنکه فاصله چندانی از بازار شهر ندارند غالباً به علت عدم تعادل مالی نمی‌توانند محصولات دامی خود را رأساً در بازار کنگاور بفروشند و در نتیجه تولیدات حاصله را به دکانداران و یا دلالان ده تحویل می‌دهند. این دلالان و دکانداران ده احتیاجات روز مره را نسبه و گران به آنان می‌فروشند و اجناس آنان را ارزانتر می‌خرند و در نتیجه روستائی از دو سو ضرر می‌کسند هم جنس گران می‌خرد و هم دسترنج خویش را ارزان از دست می‌دهد. گرچه در بعضی از دهات شرکت‌های تعاونی، فروشگاهی برپا کرده‌اند که اهم معاملات آنان نفت، روغن نباتی، قند و شکر و چای نقدی است ولی در هر صورت تا سرحد امکان از این قبیل زیانهای روستائیان جلوگیری می‌کند. اگر در ده‌قالی باقی

وجود داشته باشد پشم در محل مصرف میشود و الا به بازار شهر کنگاور ارسال می گردد. پوست نیز بطور کلی به شهر کنگاور صادر می شود.

عموماً واکسیناسیون دام در زمان شیوع بیماری ها بعمل می آید و اهالی به هنگام بروز امراض به مرکز بخش کنگاور مراجعه می نمایند. گاهی هم هرچند ماه یکبار مأموران برای معاینه دام ها، خود سری می زنند و آنچه از گفته روستائیان برمی آید خدمات دامپزشکی کافی نیست و غالباً آنان را دچار مضیقه می کند. در مدتی که دام در زاغه بسر می برد و ازغذای آماده تغذیه می گردد بخاطر هوای ثابت و غذای معین کمتر بیمار می شود ولی باخروج اززاغه و تغییر هوا نوع غذا بیماری آغاز می شود و گاهی بصورت همه گیر درمی آید. بیماریهای عمده که موجب تلفات دام و زیان می شوند عبارتند از گیجی، اسهال، زرده.

اشتغالات مردم ده :

در روستاهای کنگاور شغل عمده مردم کشاورزی است ولی انواع کار کشاورزی در درجه اول از نوع مالکیت زمین تبعیت می کند بدین ترتیب که خوش نشین که مالک زمین و صاحب نسق نمی باشد به کارهایی مشغول می شود که جنبه کارگری در روستا دارد و معمولاً دامداری مهمترین حرفه کشاورزی اواست و اغلب برای انجام خدمات مختلف به شهرهای دور و نزدیک می رود و مهاجرت موقت از ده به دنبال شغل و درآمد قسمتی از اشتغالات او را تشکیل می دهد ولی کشاورز صاحب زمین به کارهای عمده کشت و زرع می پردازد. کارهای دهات برحسب جنس مرد و یازن نیز تقسیماتی دارد. اگر ده نزدیک به شهر و یا دوراز آن باشد و یا پرجمعیت و یا کم جمعیت، تعداد مشاغل و نوع آنها متفاوت است. برای مثال در روستای فش که یکی از روستاهای بزرگ بخش و خود، مرکز دهستان است از ۳۱۹ خانوار جمعیت آن ۱۳۵ خانوار خوش نشین هستند. در این ده ۱۷ دکان بقالی وجود دارد

که در روز به نوبت یکی از بقالها کار قصابی هم می کند. یک مغازه رنگ رزی پشم، ۶ دکان نجاری، ۳ دکه پینه دوزی، یک مکانیکی تلمبه ساز چاه و لوازم موتوری، دو چراغ سازی، دو آسیاب موتوری، چهار راننده تراکتور، چهار راننده اتومبیل (ده دستگاه جیپ - یک دستگاه وانت - یک دستگاه اتومبیل کمپرسی)، ۱۸ نفر چوپان، ۲ نفر شبگرد و پاکار و ده شغل غیر کشاورزی دیگر وجود دارد که عموماً خوش نشین هابه این مشاغل اشتغال دارند و بطور متوسط ۵۷ خانوار روستائی خوش نشین به این قبیل اشتغالات مشغولند. در روستای عبدالعاجدین از کل ۹۶ خانوار ۲۴ خانوار خوش نشین هستند. از این ۲۴ خانوار مردان ۱۵ خانوار در مدتی از سال برای کار به شهرهای دور و نزدیک نواحی «کرمانشاهان - همدان - خوزستان و استان مرکزی» می روند. از ۲۲۹ خانوار روستائی قارلق ۴۲ خانوار خوش نشین می باشند از اینجا هم هر سال ۳۶ مرد خوش نشین در قسمتی از سال برای کار از ده مهاجرت می کنند ۸ نفر مغازه دار و ۱۱ چوپان و ۲ پاکار و دشتبان نیز از خوش نشین ها هستند. از ۴۲ خانوار جمعیت ده محمدآباد ۲۳ خانوار خوش نشین می باشند و باز کار اصلی آنان کارگری، درو، دشتبانی و چوپانی است و مردان ۱۵ خانوار در زمستان برای کار به شهرهای مختلف مخصوصاً تهران مهاجرت می کنند. در ده خرم آباد از ۳۲ خانوار روستا نشین ۱۳ خانوار خوش نشین می باشد. در طاهر آباد از ۱۳۳ خانوار ده نشین ۷۵ خانوار خوش نشین می باشد که از این جماعت خوش نشین ۶ نفر خرده فروش ثابت یک نفر سلمانی سیار و یک نفر حماسی سه نفر قصاب ۱۰ نفر چوپان گوسفند و دو نفر گاو چران ۶ نفر بره چران می باشند و یک نفر باغبان است. می توان گفت که در تمام بخش (دهستانها) در حدود ۳۰٪ از خانوارهای ده نشین خوش نشین می باشند. اینان زمین دار نیستند و در مجموع به کارگری حرفه ای و یا کشاورزی و مشاغل وابسته و متفرقه و مهاجرت های فصلی جهت کار اشتغال دارند.

صنایع دستی :

در روستاهای کنگاور صنایع یدی مهمی وجود ندارد. تنها صنعت مهم قالی بافی است که گسترش و توزیع آن هم نامنظم است. دهاتی که قالی بافی دارند محدود است و مخصوص قالی بافی به صورت بازرگانی انگشت شمار می باشد. مهمترین مرکز قالی بافی روستائی ده طاهرآباد است که در آنجا قالی بافی تقریباً جنبه بازرگانی هم دارد و بیشتر قالیچه می بافند و در واقع قالی باف نیستند. در این جا هم به علت کار و فعالیت زیاد کشاورزی در بهار و تابستان و اوایل پاییز، عمده کار قالی بافی به فصل سرد اختصاص می یابد. مهم ترین عامل توسعه قالی بافی در این روستا اولاً عامل سنتی و ارثی است ثانیاً فراوانی مواد اولیه در خود ده و در دهات نزدیک است. قالی و قالیچه طاهرآباد چندان مرغوب نیست و بهای قالیچه آن از متری ۳۰۰۰ ریال تجاوز نمی کند.

بطور کلی همین مردم قالی باف هم بافتن قالی و قالیچه را مقرون بصرفه نمیدانند. زیرا مخارج تهیه یک قالیچه دومتری چنین محاسبه می شد :

خامه ۹ کیلو	۱۸۰۰ ریال
رنگ آمیزی	۳۰۰ «
تارپود	۵۰۰ «
۲ نفر کارگر در یکماه	۳۰۰۰ «
جمع هزینه	۵۶۰۰ ریال

و بدین ترتیب نمی بایست بکار قالی بافی بپردازند. پس چرا قالی می بافند؟ علت اشتغال به قالی بافی اولاً بیکاری فصلی زمستان می باشد ثانیاً زنان و دختران خانواده زارع خود بدینکار اشتغال می ورزند و در واقع مزد کار به خود آنان باز می گردد.

در این ناحیه در کمتر دهی این قدر قالی و قالیچه وجود دارد، فی المثل در

عبدالتاج‌الدین دام دار فقط ۲ دار قالیچه وجود داشت. در این ده کمتر ممکن است قالی و قالیچه‌ای برای فروش عرضه شود و در واقع برای رفع احتیاج خود روستا است و تک‌فروشی گهگاهی نمی‌تواند آنرا به عنوان یک حرفه بازرگانی جلوه دهد. در ده قارلق که از روستاهای پرجمعیت است فقط ده دار قالیچه وجود دارد. بدین ترتیب در اکثر دهات قالی و قالیچه یک کالای خود مصرفی است و دهاتی که قالی فروش باشند نادر است. بر رویهم در این بخش در حدود ۳۰۰ تا ۴۰۰ دار قالی و قالیچه وجود داشت.

دستمزدها :

متوسط دستمزد قالی‌باف در حدودی است که گفته شد و متوسط سایر دستمزدها در دهات چنین است: مزد گاوچران و گوساله‌چران در مدت ۸ ماه از سال که به این کار اشتغال دارد در حدود ۱۴ کیلوگندم و ۱۰ ریال برای هر رأس می‌باشد. برای گاوکار گندم به ۶ کیلو و مزد نقدی برای هر رأس به ۲۰ ریال تغییر می‌کند زیرا گاوکار در نیمی از سال در مزرعه مورد بهره‌برداری است. مزد چوپان گوسفند برای همین مدت برای هر رأس ۶۰ ریال است و بعلاوه در ازاء هر چهار گوسفند باید یک روز به چوپان غذا بدهند و اگر غذا ندهند مزد هر گوسفند یکصد ریال می‌شود. چوپان بره و بزغاله در مدت ۶ ماه از سال (از عید تا اول پائیز) بابت هر بره فقط ۵۰ ریال مزد می‌گیرد. در بعضی از دهات برای هر ۲۰۰ گوسفند سالیانه یک جا ۶۰۰۰ ریال نقد و ۱۵۰ کیلوگندم می‌دهند. مزد دشتبان برای یکسال بابت هر جفت زمین ۱۳۵ کیلوگندم و ۵۰ ریال پول نقد است. گذشته از این خوش‌نشینها موظفند هر خانوار سالیانه ۱۵۰ ریال به دشتبان مزد بپردازند.

بهداشت ، تعلم و تربیت :

مرکز اصلی بهداشتی و طبی در مرکز بخش کنگاور متمرکز است که به کار پیشگیری و درمان می‌پردازند. مهمترین تأسیسات درمانی و بهداشتی عبارتند از

درمانگاه وزارت بهداشتی به سرپرستی یک نفر طبیب و یک نفر کمک مهندس بهداشت که تا حد امکان به کار پیشگیری و معالجه اشتغال دارند و یک بیمارستان ۲۰ تختخوابی که در ۱/۴/۵۰ به شیروخورشید واگذار شده است و در زمان مطالعه یک نفر پزشک عمومی یک نفر دندان پزشک کادر اطباء آنرا تشکیل می داد. بیمارستان دارای آزمایشگاه و داروخانه و سایر تأسیسات نیز بود. داروها رایگان به بیماران بی بضاعت داده می شد ولی هزینه تخت از ۱۰۰ تا هزار ریال متغیر بود و با تشخیص بیمارستان و مناسب با وضع اقتصادی بیمار در نظر گرفته می شد. بدیهی است انجام اعمال جراحی جز جراحی صغیر در این بیمارستان امکان پذیر نبود و بیماران را به کرمانشاه می فرستادند.

عمده بیماریهای ناحیه کنگاور در فصل گرما بیماریهای روده ای است که بسیار زیاد می باشد. همچنین بیماریهای انگلی - تراخم - بیماریهای ناشی از سوء تغذیه. بیشتر بیماران بستری بیمارستان را بیماران ریوی و قلبی سپس زایمان و داخلی تشکیل می داد. در زمان مطالعه ساختمان بیمارستان ۵۰ تختخوابی مدرن و مجهزی رویتام بود و برابر پیش بینی، بخشهای جراحی زنان - اطفال - رادیوگرافی - آزمایشگاه - داروخانه و خلاصه تمام تجهیزات در حال تکمیل بود. در سازمان بیمارستان ۲۰ تختخوابی کنگاور جراح و ماما وجود داشت ولی به علت عدم وجود تجهیزات لازم در آن زمان در کرمانشاه کار می کردند. بدیهی است تا بحال قطعاً بیمارستان جدید با تجهیزات کافی بکار افتاده است و باید آنرا بحساب تأسیسات بهداشتی موجود این بخش گذاشت. نا گفته نماند که ایجاد و توسعه مراکز مهم بهداشتی مرهون تحولات چند سال اخیر می باشد و کاری است کاملاً مورد حاجت برنامه های پیشرفت همه جانبه و همه جا گیر مملکت.

گذشته از تأسیسات بهداشتی گفته شده سازمان ریشه کنی مالاریا نیز از مهم ترین و فعال ترین مراکز بهداشتی این بخش است که بانهایت کوشش به کار خود مشغول است و در کار پیشگیری کاملاً موفق و مؤید بوده است. بدنیست اضافه کنم

در هر جا از ایران که بمطالعه‌ای پرداخته‌ام فعالیت این سازمان واقعاً چشم گیر بوده‌است. عامل اصلی بیماریهای گفته شده مخصوصاً بیماریهای روده‌ای و چشم عدم رعایت بهداشت از جانب روستائیان است و هم طرز زندگی و ساختمان ده که باید مورد توجه باشد. در دهات کوهستانی نظیر عبدالتاج‌دین آب و هوای کوهستانی و تغذیه نسبتاً بهتر مردم را سالم نگهداشته است و جز مالاریا بیماری مزاحمی وجود نداشته که آنها امروزه ریشه کن شده است. در دهات دشتی به علت فصل گرم طولانی‌تر و سوء تغذیه انواع بیماری غلبه پیدا می‌کند. در هر ده که آب‌لوله کشی باشد و مردم نیز عادت کرده باشند که از آب‌لوله کشی استفاده نمایند تا حدی جلو امراض روده‌ای گرفته شده است گرچه آلودگی‌ها از طریق شست و شوی البسه و سایر لوازم و ظروف غذا در آب جاری هنوز ادامه دارد. آب فراوان این دهات خودیکی از عوامل انتشار بیماریهای روده‌ای است. معتقدم باید عادات بهداشتی مردم را گسترش داد و الا از گذشته هم آب آشامیدنی را با دقت از سرچشمه تمیز برداشت می‌کردند و تنها بهداشتی کردن چشمه کافی نیست. حیوانات و زندگی توأم آنها با اهالی روستا نیز از علل عمده آلودگی محیط این روستاها است. در فصل گرم که اتفاقاً انتقال بیماری سریع‌تر است حیوانات در حیاط نگهداری میشوند و همین امر موجب آلودگی محیط و ازدیاد پشه و مگس و حشرات مضر می‌گردد.

مسأله این است که باید روستائی‌درزندگی روزمره اصول بهداشت را رعایت کند و راه تندرستی را بیاموزد و تنها به ایجاد تأسیسات بهداشتی اکتفا نشود، آموزش بهداشت مهم‌تر از خود بهداشت است.

در قسمت تعلیم و تربیت با آنکه نتوانستم آمار دقیقی از قبل از سال ۵۴ بدست آورم معهذا بسیار روشن بود که در این امر نسبت به ده سال قبل پیشرفت حاصل شده است. یک مطالعه اجمالی به آمار زیر قضا یا را روشن می‌کند. از سال

تحصیلی ۴۵، ۴۶، تا ۵۱، ۵۰ در حدود ۱۰۴۸ نفر به تعداد نوآموزان دبستانها و ۹۶ نفر به تعداد دانش‌آموزان اضافه شده است که جمعاً ۲۰۱۲ نفر افزایش نشان می‌دهد. در سال تحصیلی ۵۰ - ۵۱ - ۵۴۹۸ نفر در مؤسسات آموزشی (دبستان دبیرستان) به تحصیل اشتغال داشته‌اند که ۵/۱۰٪ کل جمعیت را شامل می‌شود بدیهی است این نسبت برای شهر کنگاور (مرکز) ۲۰٪ است. این نسبت‌ها نمی‌توانند بخوبی توزیع در صد محصل را در جمعیت مرکز بخش و سایر روستاها نشان دهند زیرا عده زیادی از اطفال دهات نزدیک برای تحصیل در دبیرستان حتی دبستان به شهر کنگاور (مرکز بخش) می‌آیند ولی در هر صورت رقم ۵/۱۰٪ در کل جمعیت قطعی است. با توجه باین رقم و تعداد اطفال لازم‌التعلیم مشاهده می‌شود که با همه پیشرفت حاصله سطح آموزش اطفال نسبت به بسیاری از نواحی ایران که به سرعت پیش می‌رود پائین‌تر است و باید هنوز کوشش بیشتری بعمل آید و مدارس تازه‌ای در دهات تأسیس شود. برای مثال وضع تعلیم و تربیت را در مرکز دهستان فش (ده فش) که ده بزرگ و پیشرفته‌تری است تشریح می‌کنم. در روستای فش یک دبستان ۵ کلاس در زبان مطالعه وجود داشت که ۱۹۴ نفر نوآموز توسط معلم «سه نفر زن سه نفر مرد و یک مدیر مدرسه» در آن تحت تعلیم بودند. توزیع محصل بر حسب جنس بسیار جالب بود زیرا فقط ۷ نفر دختر در آنجا درس می‌خواندند. در این ده یک خانه فرهنگ روستائی «تنها خانه فرهنگ روستائی بخش» وجود داشت که مؤسسات آن عبارت بود از:

الف - مهد کودک: مهد کودک سه سال است که در این روستا تأسیس یافته و در حدود ۳۰ کودک بین سنین ۵ تا ۷ سال از ساعت ۸/۵ صبح الی ۱۱ در آنجا تغذیه و تربیت میشوند. در بازدیدی که بدون اطلاع قبلی بعمل آمده وضع چنین مشاهده شد:

مسئول آن با علاقه کودکان روستا را بدور خود جمع کرده به هر کدام لباس‌های مخصوصی و متحدالشکل پوشانده بود و با سینه‌پوشهای سفید منظره زیبائی

داشتند و شوروهیجانی در بچه‌ها بود. هرچند که در آن مؤسسه وسایل بازی برای کودکان وجود نداشت ولی همینکه آنها بدوریکدیگر جمع شده در محیط سالم از غذای سالم و تربیت یک دختر شهری برخوردار بودند شاد بودند.

بودجه مؤسسه مزبور سه ماهه و در هر سه ماه ۳۰۰۰ ریال است که ۵۰٪ از مبلغ مزبور صرف هزینه غذای کودکان و ۵۰٪ جهت تهیه وسایل و لوازم مورد نیاز آنان مصرف می‌گردد. غذای کودکان عبارتست از شیر ویسکویت و در هفته دوبار هم غذای گرم نیمروز میدهند که مواد اولیه اصلی آن گوشت و تخم مرغ است.

ب - در این روستا به کوشش سپاهی ترویج تیم‌های بازی فوتبال و دومیدانی و کشتی ترتیب داده شده که برای آموزش آنان یک نفر مربی از اداره تعاون کرامت‌شاه به فاش می‌آید و ورزشکاران را آماده می‌سازد.

ج - کتابخانه ده در حدود ۵۰ جلد کتاب و مقداری روزنامه دارد که در اختیار باسوادان روستا گذاشته میشود.

د - سپاهی ترویج دختر به بانوان ده آشپزی و خیاطی می‌آموزد و آنها را تشویق می‌کند که به برنامه‌های رادیو توجه کنند.

در ده قارلق که دهی بزرگ و آباد است در ۱۳ سال پیش یک دبستان تأسیس شده که ۵۲ نفر محصل دارد و همه پسرند. در ده عبدالعاجدین دبستان در سال ۱۴ تأسیس شده است ۳۵ نفر دانش‌آموز دارد که همه پسرند. در خرم‌آباد ۲۷ نفر در دبستان درس می‌خوانند که ۷ نفر آنها دخترند در روستاهای طاهرآباد دبستان ۵ کلاس به ۹۵ نفر نوآموز پسر و ۱ نفر دختر وجود دارد که یک نفر سپاهی مرد و سه نفر سپاهی زن در آن درس می‌دهند. روستای فاش در برابر ۲۰۷۴ نفر جمعیت ۱۹۴ نوآموز دارد، قارلق در برابر ۱۳۰۸ نفر، روستای عبدالعاجدین در برابر ۵۴۹

نفر ۳۵ نفر، ده خرم آباد در برابر ۱۹۳ نفر ۲۷ نفر، و ده طاهرا آباد در برابر ۸۵۰ نفر ۹۵ نوآموز دارد.

این چند نمونه نشان میدهد که اولاً نسبت نوآموز نسبت به کل جمعیت در روستاها از بسیاری از نواحی روستائی ایران پائین تر است ثانیاً دختران را به علت عقاید سنتی و بهره‌وری در کار منزل و قالی بافی از تحصیل مقدماتی محروم می‌کنند. از طرفی در تغییر اصول زندگی سابق به زندگی صحیح امروزی آن طور که باید تعلیماتی انجام نمیشود. باید تعلیم بزرگسالان برای آشنائی با زندگی نو و صحیح همراه با سواد آموزی بچه‌ها در نسبت بیشتری انجام گیرد و لازم است که تعلیمات مؤثر و نافذ از طریق روابط جمعی به این دهات راه یابد تا از سایر نواحی در حال پیشرفت مملکت عقب نماند.

آمار محصلان و معلمان دبستانهای سپاهی قراء تابعه آموزش و پرورش کنگاور در سال ۵۰-۵۱

آموزشگاههای سپاهی دانش	تعداد محصل		تعداد معلم		جمع	خدمتگذار	ملاحظات
	پسر	دختر	مرد	زن			
سال ۴۶-۴۵	۵۳۰	۶۷	۱۷	—	۱۷	—	
سال ۵۱-۵۰	۶۶۰	۱۰۷	۱۶	۱۲	۲۸	—	

آمار محصلان و معلمان پیکار مرکز بخش در سال ۵۰-۵۱

مرکز بخش	تعداد محصل		تعداد معلم		جمع	خدمتگذار
	پسر	دختر	مرد	زن		
بزرگسالان	مرد	زن	جمع	مرد	زن	جمع
۴۶-۴۵	۷۸	۶	۸۴	۴	—	۴
۵۱-۵۰	—	۵۵	۵۵	—	۲	۲

آمار محصلان و معلمان کودکان شبانه قراء تابعه در سال تحصیلی ۵۰-۵۱

خدمتگذار	تعداد معلم			تعداد محصل			
	جمع	زن	مرد	جمع	دختر	پسر	
	۴	۲	۲	۱۱۳	۵۰	۶۳	قراء تابعه

آمار محصلان و معلمان دبستانهای مرکز بخش در سال تحصیلی ۵۰-۵۱

خدمتگذار	تعداد معلم			تعداد محصل			مرکز بخش
	جمع	زن	مرد	جمع	دختر	پسر	
—	۵۱	۳۰	۳۱	۱۵۹۳	۵۸۷	۱۰۰۶	سال ۴۶-۴۵
۶	۶۱	۳۲	۲۹	۱۹۶۳	۷۶۰	۱۲۰۳	۵۰-۵۱

آمار محصلان و معلمان دبیرستانها و مدارس راهنمایی مرکز بخش در سال تحصیلی ۵۰-۵۱

خدمتگذار	تعداد معلم			تعداد محصل			مرکز بخش
	جمع	زن	مرد	جمع	دختر	پسر	
—	۱۱	۱	۱۰	۳۴۱	۳۴	۳۰۷	سال ۴۶-۴۵
				۱۰۲۶	۲۴۳	۷۸۳	دبیرستانهای مرکز بخش
				۱۷۹	۶۹	۱۱۰	مدارس راهنمایی
۴	۲۷	۷	۲۰	۱۲۰۵	۳۱۲	۸۹۳	

آمار محصلان و معلمان دبستانهای عادی روستاهای تابعه در سال تحصیلی ۵۰-۵۱

خدمتگذار	تعداد معلم			تعداد محصل			روستاها
	جمع	زن	مرد	جمع	دختر	پسر	
—	۳۴	—	۳۴	۱۰۰۴	۱۰۲	۹۰۲	سال ۴۶-۴۵
۲	۵۱	۱۹	۳۲	۱۳۹۵	۱۲۶	۱۲۶۹	سال ۵۰-۵۱

آمار روستاها از نظر توزیع سپاهان

نام ده	سپاهی دختر	سپاهی پسر	سپاهی ترویج
توشمالان	—	۱	—
بردینه	—	۱	—
جاورسینه	—	۱	—
نهرالدوله	۲	—	۱
گلیاران	۱	—	—
حسین آباد	۲	—	۱
طاهر آباد	۳	—	۱
شورچه	—	۱	—
خلیل آباد	—	۱	—
کرماجان	—	—	۱
سلطان آباد	—	—	۱
رشتیان	—	۱	—
هزارخانی	—	۱	—
فش	—	—	۳
دم بادام	—	۱	۱
حسن آباد	—	۱	—
رحمت آباد	۲	—	—
سهم الدین	—	۱	—
جمع ۱۸ روستا	۱۰	۱۰	۹

سازمانهای اجتماعی دهات :

مهمترین سازمانهای اجتماعی دهات این بخش عبارتند از انجمن ده، خانه انصاف، شرکت تعاونی روستائی. فعالیت انجمنهای دهات در هر ده در حدود انجام کارهای عمرانی روستا است از قبیل تأسیس و ساختمان مدرسه، حمام بهداشتی، مسجد، لوله کشی آب، بهداشتی کردن چشمه ها، ساختن پل، راه، تأمین برق و نظایران. قدیمترین انجمن ده از آن روستای فش می باشد که در حدود بیست سال پیش تأسیس یافته است ولی عموماً توسعه و فعالیت پی گیر این انجمن ها مربوط بدئه اخیر است. در تمام روستاها بدون استثنا انجمن ده وجود دارد منتهی گاهی دوتا سه ده کاملاً بهم نزدیک یک انجمن دارند و به اعتقاد من فعالیت این انجمنها در پیشرفت اجتماعی روستاها بسیار خوب بوده است.

خانه های انصاف که از پدیده های قضائی دهه اخیر در روستاها است در حدود اختیارات قانونی خود به دعاوی اهالی ده رسیدگی می کند و در حل و فصل اختلافات ده قدمهای مؤثری برمی دارد. چون دهات نزدیک بهم هستند معمولاً چند ده از یک مرکز خانه انصاف متابعت می کنند. توزیع خانه های انصاف به شرح زیر است:

۱ - روستاهای : کارخانه - علی آباد - حسین آباد - کوچه - طاهرآباد به مرکزیت کارخانه .

۲ - روستاهای : گودین - رحمان آباد - شش یکان - دم بادام به مرکزیت رحمان آباد .

۳ - روستاهای : رستم آباد - چشمه نوش به مرکزیت چشمه نوش .

۵ - روستاهای : جاورسینه - سرمست - بردینه به مرکزیت جاورسینه .

۶ - روستاهای : توشمالان - قزوینه - دهنو به مرکزیت توشمالان .

۷ - روستاهای : خمیس آباد - شورچه - قارلق به مرکزیت قارلق .

۸ - روستاهای : رشتیان - عبدالتاج‌دین - هزارخانی - حصار به مرکزیت رشتیان .

هنگامی که کشاورزان از بند مالکان بزرگ‌رسته و آزاد شدند وسنت‌های کهن اجتماعی زمین‌داری دگرگون گردید کشاورز یکباره خود را تنها یافت و نیازمند حمایت مالی گردید. در کشور این تنهایی حساب شده بود و بهمین جهت به منظور کمک به دهقانان صاحب زمین همگام با اجرای برنامه‌های اصلاحات ارضی شرکت‌های تعاونی روستائی با مشارکت خود کشاورزان تأسیس شد. عمده کار این شرکتها از بدو تأسیس حمایت زارع از طریق تأمین احتیاجات روستائی بود.

شرکت‌های تعاونی روستائی در این ناحیه با ایجاد فروشگاههای تعاونی احتیاجات درجه اول روستائیان را تأمین می‌کنند. حتی المقدور دست دلالان و سودجویان را از روستا کوتاه می‌نمایند و هم در تهیه کود، بذر اصلاح شده، تأمین آب زراعی و بالاخره فراهم آوردن موجبات توسعه عملیات بازرگانی روستا اقدام می‌کنند و از طریق همین شرکت‌ها مساعدتهای لازم برای کشت خشخاش و یا وامهای نقدی و جنسی معمول می‌گردد.

برای آن که شرکت‌های تعاونی روستائی با سرمایه بیشتر بتوانند کارکنندچند روستای کاملاً نزدیک بهم اغلب عضو یک شرکت تعاونی هستند، آمار شرکت های تعاونی روستائی این ناحیه بدین شرح است:

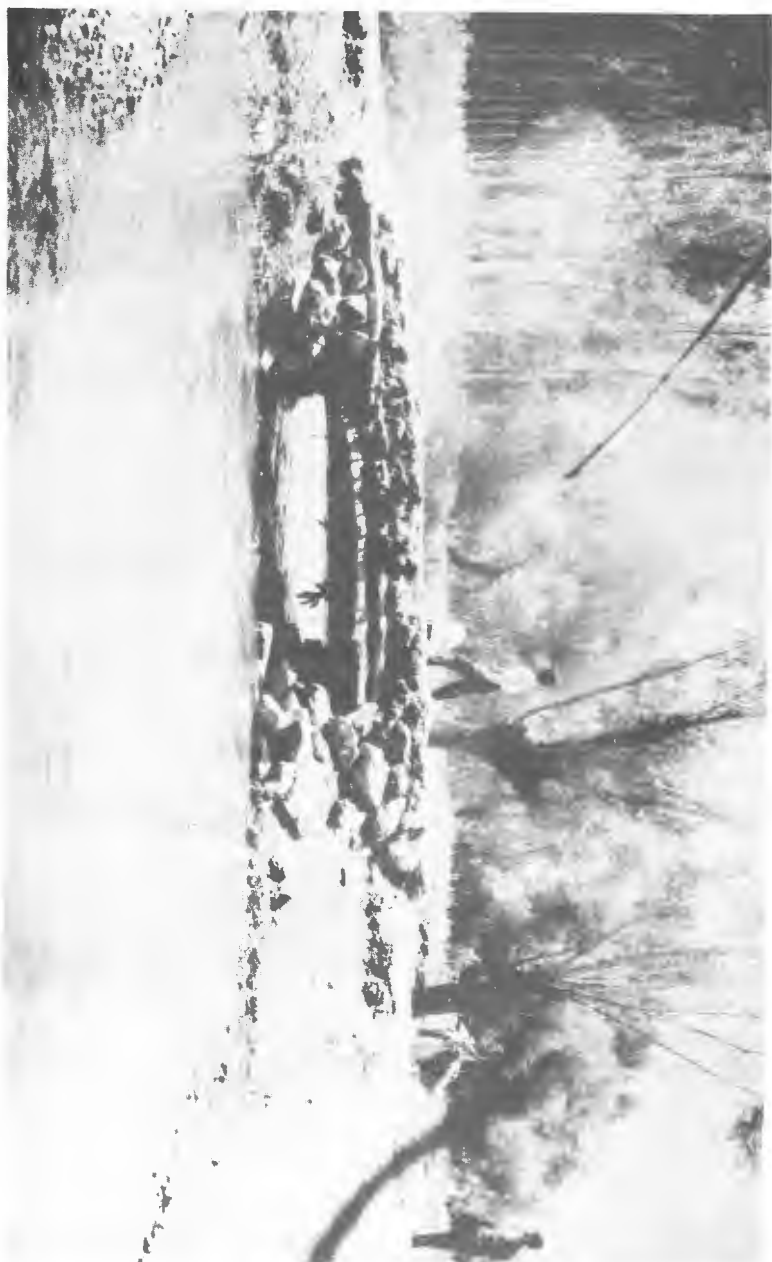
مشخصات شرکتهای تعاونی کنگاور

نام ده	تعداد اعضا	سرمایه شرکت	تاریخ تشکیل
آب باریک	۲۵۳	۸۶۱۷۵۰	۴۳/۶/۲۴
گودین	۴۳۳	۴۵۹۹۰۰	۴۴/۸/۲۵
کرماجان	۴۰۲	۶۸۷۹۰۰	۴۵/۱۱/۱۸
کارخانه	۲۰۰	۳۰۳۸۰۰	۴۴/۸/۲۴
رحمت آباد	۱۲۷	۴۰۴۲۰۰	۴۵/۲/۶
سلیمان آباد	۱۵۸	۲۷۱۶۵۰	۴۶/۲/۱۷
فشخواران	۱۲۸	۲۲۱۵۰۰	۴۶/۲/۱۶
شهرآباد	۴۰۴	۹۶۲۶۰۰	۴۶/۱۱/۲۸
هزارخانی	۱۱۹	۳۷۴۷۰۰	۴۴/۸/۲۵
فش	۲۲۳	۴۴۰۸۵۰	۴۳/۱۰/۱۵



عکس ۱- مرز خنداب . روستای خرم آباد .

عکس شماره ۱ - سرخس خان کلکو.



عکس ۳- خانه روستایی ، ده عبد الشاقدین کنگاور.





عکس ۴ - خرد و نوروز سار - روستای خرم آباد کنگاور .

مکس - ساختمان سبزی کارو.





عکس ۶ - شهر کنگاور - دیوار معبد آناهیتا در کنار خیابان اصلی شهر -



عکس ۷ - بنای ارشهر کنگور .



عکس ۸ - نمای از شهر کنگاور .



عکس ۱- آثاری از ساختمان معبد آناهیتا - در دوره اسلامی بر روی خرابه های معبد ' بساکن و ساجد ساخته شده بود -



عکس شماره ۱۰ - د رکارستیو ککړوګي نامله چنډاني پادزار آبي
ګډم تدار رانښه ګډن کياین برای استراحت وقف نموده اند



کس-نوار ۱۱ - روی گدم وسیله کجایی
سلطان آباد

University of Tehran

Institute of Geography

GEOGRAPHICAL REPORTS

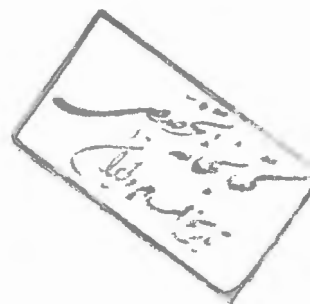
Kangavar

Human And Economic Geography

SH . Goodarzi-Nejad

Department Of Geography

University Of Tehran



Publication No.10

Jan.1